

عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس

جلد اول

باورهای دینی - امدادهای غیبی

علی تقی زاده اکبری

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

سرشناسه:	تقی‌زاده اکبری، علی، ۱۳۴۰ -
عنوان و پدیدآور:	باورهای دینی - امدادهای غیبی / نویسنده علی تقی‌زاده اکبری؛ تهیه‌کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی].
مشخصات نشر:	قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری:	۲۴۰ ص.
فروست:	عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس؛ ج. ۱.
شابک:	۹۶۴-۸۷۶۹-۹۷-۴ / ۱۶۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۷۶۹-۹۷-۴
یادداشت:	فیفا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۳۳ - ۲۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - مسائل متفرقه.
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - جنبه‌های مذهبی.
شناسه افزوده:	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه. پژوهشکده تحقیقات اسلامی. زمزم هدایت.
شناسه افزوده:	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نمایندگی ولی فقیه. پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
فروست (شناسه افزوده):	عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس؛ ج. ۱.
رده‌بندی کنگره:	ج. ۱ / ع ۹ / ۱۶۰۰ DSR
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵ / ۰۸۴۳
شماره کتابخانه ملی:	۴۱۱۸۲ - ۸۵ م

زمزم
هدایت

عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس - ج ۱

باورهای دینی - امدادهای غیبی

- نویسنده: ☐ علی تقی‌زاده اکبری
- تهیه‌کننده: ☐ پژوهشکده تحقیقات اسلامی
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: ☐ پژوهشکده تحقیقات اسلامی
- ناشر: ☐ زمزم هدایت
- تاریخ چاپ: ☐ پاییز ۱۳۸۶
- چاپ: ☐ سپهر
- تربت چاپ: ☐ اول
- تیراژ: ☐ ۲۰۰۰
- قیمت: ☐ ۱۶۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۷۶۹-۹۷-۴ (جلد اول) (VOL-1) 964-8769-97-4 ISBN

شابک دوره: ۹۶۴-۸۷۶۹-۹۷-۴ (دوره ۷ جلدی) (7 VOLSET) 978-964-2854-11-0 ISBN

قم: خ شهید فاطمی (دور شهر)، نیش فاطمی ۳، پلاک ۸۱
تلفکس: ۷۷۳۰۷۳۵ - ۲۵۱۰۰ / همراه: ۲۸۸۷ ۲۵۳ ۹۱۲۰

پیش‌گفتار

ملت مسلمان ایران جنگ‌های بسیاری را تجربه کرده و از سر گذرانده است. بیگانگان بارها سرزمین ایران را عرصهٔ تاخت و تاز قرار داده‌اند و فرزندان رشید ملت ایران نیز همواره پرچم مقاومت را برافراشته، در برابر آنان سینه سپر کرده‌اند؛ گاه دشمن در تهاجمش توفیق یافته و گاه ناکام مانده است، اما بی‌گمان باشکوه‌ترین حماسه دفاعی ملت مسلمان ایران در دوران هشت سال درخشان و پرافتخار دفاع مقدس رقم خورد. آنچه دفاع مقدس را در کارنامه دفاعی این ملت از حدود دویست سال پیش به این طرف برجسته و بی‌مانند ساخته است، ناکام ماندن دشمن در دستیابی به اهداف تجاوز به ویژه جدا کردن بخشی از ایران و ضمیمه کردن آن به خاک خود است.

گذری بر تهاجم بیگانگان در این دویست سال، درستی این ادعا را نشان می‌دهد. در جنگ نخست ایران و روسیه (۱۲۱۸ - ۱۲۲۸ ه. ق)، عهدنامهٔ دلت‌بار گلستان بر ایران تحمیل، و بخشی از پیکر ایران جدا شد. در دومین جنگ (۱۲۴۱ - ۱۲۴۳ ه. ق) نیز عهدنامهٔ ننگین ترکمانچای بر اوراق نقش بست که افزون بر جداسازی بخش دیگری از شمال ایران، حق کشتیرانی ایران در دریای خزر سلب گردید و حق قضاوت کنسولی و پنج میلیون تومان

غرامت به روسیه داده شد. در سال ۱۲۶۳ هجری قمری طی عهدنامه دوم ارزروم که در آستانه جنگ دولت‌های عثمانی و ایران و پس از چهار سال مذاکره و با میانجیگری دولت‌های استعماری انگلیس و روس به امضای دو دولت رسید، تمامی ولایت سلیمانیه به دولت عثمانی واگذار گردید و در مقابل، دولت عثمانی مالکیت ایران بر خرمشهر و ساحل چپ اروندرود را به رسمیت شناخت. در سال ۱۲۷۳ هجری قمری، نیروهای متجاوز انگلیسی بوشهر، خرمشهر و اهواز را اشغال کردند تا هرات را از ایران جدا کنند. بر اساس عهدنامه‌ای که در مارس ۱۸۵۷ میلادی در پاریس میان ایران و انگلیس منعقد گردید، هرات از ایران جدا شد و ایران افغانستان را به رسمیت شناخت و در مقابل، انگلستان نیروهای خود را فراخواند. در سال ۱۳۳۱ هجری قمری در جریان انعقاد پروتکل اسلامبول و با دخالت روس و انگلیس، حدود ۷۰۰ مایل از مناطق نفت‌خیز ایران در شمال و جنوب قصر شیرین به دولت عثمانی واگذار شد و سرانجام در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی با ادامه سیاست استعماری انگلستان، ایران از ادعای مالکیت خود نسبت به بحرین دست برداشت تا مالکیت مجدد خویش را بر جزایر سه گانه ایرانی خلیج فارس که در قیمومت انگلستان بود، به دست آورد.

به راستی چه راز و رمزی در هشت سال جنگ تحمیلی نهفته است که آن را به لحاظ ناکام گذاشتن دشمن و حفظ تمامیت ارضی ایران، ممتاز ساخته و نام باشکوه و جاودان «دفاع مقدس» را زینده آن کرده است؛ با آن که شورای امنیت سازمان ملل به طرز بی سابقه‌ای در انجام وظیفه خود در محکوم کردن تجاوز و متجاوز تسامح ورزید و بیش تر قدرت‌های برتر جهان و دولت‌های منطقه از تجهیز عراق به سلاح‌های پیشرفته و تکنولوژی ساخت سلاح‌های

کشتار جمعی و در اختیار گذاشتن اطلاعات مهم نظامی و حمایت‌های گسترده مالی، سیاسی و تبلیغاتی در عرصه جهانی کوتاهی نکردند و برخی مستقیماً به نفع عراق وارد جنگ شدند. به نظر می‌رسد راز و رمز برجستگی و درخشندگی دفاع مقدس را باید در ویژگی‌های ممتازی که در درون خود دارد جست‌وجو کرد.

دشمن زمانی تهاجم به این سامان را آغاز کرد که در آن، نظامی اسلامی استقرار یافته بود و فقهی عادل رهبری ملت و فرماندهی کل نیروهای مسلح را بر عهده داشت. حضرت امام خمینی (ره) با توکل به خداوند متعال و عزمی راسخ و قاطعیتی کم نظیر و نفوذ معنوی که در میان ملت و رزمندگان داشت، توان روحی و معنوی آنان را برای مقابله همه‌جانبه با دشمن بسیج و ساماندهی کرد. وحدت و حضور یکپارچه ملت به‌ویژه عالمان دین و روحانیون و گستره مدافعان در شکل نیروهای بسیج که نقش حیاتی و کارساز بر عهده داشتند، دیگر ویژگی ممتاز و بی‌سابقه دفاع مقدس است. تمسک فرماندهان و رزمندگان به فرهنگ ناب اسلامی، الهام گرفتن از باورهای ژرف دینی، اقتدا به سیره جهادی معصومان (ع) به‌ویژه نهضت حرکت‌آفرین عاشورا، آراسته شدن به ارزش‌های پیروزی‌آفرین اسلامی و امید داشتن به امدادهای غیبی از جمله این ویژگی‌هایند. همچنین استفاده قابل قبول از سلاح تبلیغات و نیز هنر و ادبیات در جهت خنثی کردن هجوم تبلیغاتی دشمن و افزایش روحیه رزمندگان را باید از ویژگی‌های دفاع مقدس برشمرد.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه - در کنار پژوهش‌هایی که دیگر مراکز درباره تاریخ و رخدادهای نظامی و سیاسی دفاع مقدس و نیز ثبت خاطره‌های رزمندگان از آن دوران انجام داده و می‌دهند -

بر آن شد تا از این روزن به دفاع مقدس بنگرد و این ویژگی‌های ممتاز را در اندازه توان خویش بکاود. در این باره، طرحی با نام «عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس» تهیه شد و به تصویب اداره تحقیقات خودکفایی ستاد مشترک سپاه و معاونت طرح و برنامه ستاد کل نیروهای مسلح رسید. سخنان حضرت امام (ره)، مقام معظم رهبری و فرماندهان جنگ و نیز خاطره‌های رزمندگان و وصیت‌نامه‌های شهیدان، منابع عمده این جستار است که از کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها استخراج شده است. همچنین در حد امکان از منابع موجود در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و گروه جنگ سیمای جمهوری اسلامی نیز استفاده شده است که از همکاری صمیمانه این مراکز سپاسگزاریم. مدیریت و نظارت علمی این طرح را به ترتیب آقایان علی تقی‌زاده اکبری و مهدی عبداللهی بر عهده داشته‌اند. به امید آن که این گام خُرد و ناچیز، گام‌های بلند عالمان و فرهیختگان متعهد را در پی داشته باشد.

□ نوشتار حاضر نخستین جلد از مجموعه هفت جلدی عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس است که آقای علی تقی‌زاده اکبری آن را پژوهش و تدوین کرده است و آقایان محمدهادی مهدی، مرتضی محمدیان، علی شیخیان و عباس صفاری‌زاده گردآوری بخشی از اطلاعات را بر عهده داشته‌اند. در این کتاب، ابتدا کلیاتی در باره طرح با عنوان درآمد، و آن‌گاه باورهای دینی و امدادهای غیبی به عنوان دو عامل معنوی و فرهنگی در دو بخش آمده است. امید است که خوانندگان محترم از آن بهره کافی ببرند.

فهرست

درآمد.....	۱۵
۱. طرح مسأله.....	۱۵
۲. اهمیت مسأله.....	۲۰
۳. حدود و قلمرو مسأله.....	۲۱
۴. مفاهیم و اصطلاحات.....	۲۲
۵. پیشینه پژوهش.....	۲۵
۶. روش پژوهش.....	۲۶
۷. منابع پژوهش.....	۲۶
۸. مبانی نظری پژوهش.....	۲۷
۹. پیش فرض های پژوهش.....	۳۳
۹-۱. پیروزی ایران در جنگ.....	۳۳
۹-۲. نقش تعیین کننده عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس.....	۴۱
۹-۳. نتیجه.....	۵۶
۱۰. سازماندهی پژوهش.....	۶۹

بخش اول: باورهای دینی

مقدمه.....	۷۵
------------	----

فصل اول: کلیات	۷۷
۱. مفهوم باورهای دینی	۷۷
۲. اهمیت باورهای دینی	۸۱
۳. نقش و تأثیر باورهای دینی	۸۴
۱-۳. قداست بخشیدن به آرمان‌ها و هدف‌های مکتب	۸۴
۲-۳. دمیدن روح تعهد و مسؤولیت در مؤمنان	۸۷
فصل دوم: ایمان	۹۱
۱. ایمان به خداوند	۹۱
۱-۱. قدرت برتر و سرنوشت‌ساز	۹۲
۲-۱. مهم‌ترین عامل پیروزی	۹۶
۳-۱. تجلی‌دهنده ارزش‌ها	۱۰۱
۲. ایمان به امداد و نصرت الهی	۱۰۴
۱-۲. اطمینان بخش و امیدآفرین	۱۰۷
۲-۲. پیروزی به دست خداوند	۱۱۱
فصل سوم: ولایت	۱۱۷
۱. اعتقاد به ولایت معصومان (ع)	۱۱۷
۱-۱. محبت و عشق	۱۲۱
۲-۱. شباهت جویی و تأسی	۱۲۴
۳-۱. التجا و توسل	۱۲۹
۲. اعتقاد به ولایت فقیه	۱۳۴
فصل چهارم: دفاع مشروع؛ پیروزی یا شهادت	۱۴۱
۱. اعتقاد به دفاع مشروع	۱۴۱
۲. اعتقاد به احدی الحسنيين	۱۵۱

بخش دوم: امدادهای غیبی

۱۶۱	 مقدمه
۱۶۳	 فصل اول: کلیات
۱۶۳	 ۱. مفهوم امدادهای غیبی
۱۶۳	 ۲. انواع امدادهای غیبی
۱۶۶	 ۳. امدادهای غیبی در قرآن
۱۶۸	 ۴. اهمیت امدادهای غیبی
۱۷۱	 ۵. شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی
۱۷۳	 ۱- ۵. ایمان
۱۷۳	 ۲- ۵. مجاهدت و تلاش
۱۷۶	 ۳- ۵. اخلاص و رزق
۱۷۷	 ۴- ۵. استقامت و پایداری
۱۷۸	 ۵- ۵. طلب امداد از خداوند
۱۸۱	 فصل دوم: امدادهای غیبی و انقلاب اسلامی
۱۸۵	 ۱. انقلاب و تحوّل درونی ملت
۱۸۹	 ۲. هراس و رعب رژیم ستمشاهی
۱۹۲	 ۳. ناکامی آمریکا در صحرای طبس
۱۹۵	 فصل سوم: امدادهای غیبی و دفاع مقدّس
۲۰۳	 ۱. تحوّل روحی و معنوی رزمندگان
۲۰۷	 ۲. نصر به رعب
۲۱۲	 ۳. حوادث طبیعی
۲۱۳	 ۱- ۳. ابر و مه
۲۱۶	 ۲- ۳. باران
۲۲۳	 ۳- ۳. باد و طوفان
۲۳۳	 منابع و مآخذ

درآمد

۱. طرح مسأله

انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) همچنان که ملت مسلمان ایران را از سلطه حکومت استبدادی ستمشاهی رهایی بخشید و عزت و سربلندی را به آنان و همه مسلمانان جهان بازگرداند، منافع نامشروع قدرت‌های سلطه‌گر به ویژه آمریکا را با تهدید جدی روبه‌رو ساخت و ناخشنودی و خشم آنان را برانگیخت. به همین دلیل، از اوان پیروزی‌اش آماج انواع توطئه‌ها قرار گرفت.

نخستین توطئه، ایجاد اغتشاش داخلی از راه دامن زدن به اختلاف‌های قومی و مذهبی در نقاط مختلف ایران بود که کشورهای مرتجع عرب منطقه به توصیه دولتمردان آمریکا طراحی و امکانات آن را عهده‌دار شدند.^۱ درگیری‌هایی که در مناطق کردنشین، عرب‌نشین و ترکمن به وجود آمد، حاصل این توطئه بود.

ایجاد شبکه گسترده جاسوسی برای حمایت از مخالفان داخلی نظام جمهوری اسلامی و فراهم کردن مقدمات براندازی این حکومت نوپا در پوشش «سفارتخانه» به وسیله آمریکا، توطئه دیگری بود که با تصرف لانه جاسوسی

به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با شکست مواجه شد. قطع ارسال تجهیزات نظامی، تحریم اقتصادی و هجوم نظامی برای آزادسازی گروگان‌های جاسوس آمریکایی که با امداد الهی در صحرای طبس درهم شکسته شد، از دیگر اقدامات خصوصاً آمیز آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی بود.

آمریکا پس از ناکامی‌های متعدد، کودتای نوژه را که از مدت‌ها قبل برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران طرح‌ریزی شده بود، به اجرا گذارد، اما این توطئه نیز به لطف الهی ناکام ماند.^۱ آخرین حربه هیأت حاکمه آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی، حمله یک کشور خارجی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران بود که از نظر آن‌ها، عراق مناسب‌ترین کشور بود. اسناد نشان می‌دهد که مقامات آمریکایی در ملاقات با صدام حسین او را برای شروع جنگ علیه ایران تحریک کردند و به او قول مساعد حمایت دادند.^۲

ملت ایران در آن زمان تازه انقلاب کرده و نظامی نوین بنیان نهاده بود. دولتمردان و مسئولان تجربه چندانی در اداره کشور نیندوخته بودند و برخی که به آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی اعتقاد نداشتند، تا جایگاه فرماندهی کل نیروهای مسلح پیش رفته بودند؛ ارتش دستخوش تغییرات اساسی شده بود و از توان رزمی مطلوب برخوردار نبود و سپاه پاسداران، تنها، تجربه درگیری و مقابله با گروه‌های ضدانقلاب را در پیشینه خود داشت و فاقد ساختار کلاسیک نظامی و سلاح‌های نیمه‌سنگین و سنگین بود.

دشمن در ظاهر درست و دقیق محاسبه کرده بود و انتظار ایستادگی ملت ایران را در مقابل یک هجوم همه‌جانبه نداشت؛ زیرا همه شرایط مادی و

۱. سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۱، از خونین‌شهر تا خرم‌شهر، ص ۲۱-۲۲.

۲. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۲، جنگ بازبایی ثبات، محمد درویدیان، ص ۸۰ (روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۹/۱۷ به نقل از فیگارو).

ظاهری به سود او بود. دشمن افزون بر این که شرایط داخلی ایران را برای تهاجم مناسب می‌دید، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز برای آغاز جنگ فراهم می‌یافت. سکوت‌های معنادار مجامع بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی، تبلیغاتی و نظامی قدرت‌های جهانی و حمایت‌های سیاسی و مالی عمده کشورهای منطقه که از آغاز جنگ تا پایان آن ادامه یافت، گواهانی صادق بر این مدعایند. دشمن افزون بر این‌ها، خود را دارای ارتشی قوی، آموزش دیده و مجهز به اسلحه و تجهیزات پیشرفته می‌دید که از نظر کمی نیز بر نیروها، اسلحه و تجهیزات ایران برتری داشت. همه این شرایط دست به دست هم داد تا دشمن برنده و بازنده جنگ را از پیش تعیین کند و خود را فاتح بی‌چون و چرای کارزار بداند.

طوفان جنگ در ۳۱ شهریور ۵۹ از هوا، دریا و زمین وزیدن گرفت و مرزهای طولانی ایران را درنوردید و ماشین جنگی عراق به امید فتحی چندروزه به راه افتاد. ایران در ساعت‌های نخستین سردرگم بود و به درستی نمی‌دانست چه حادثه‌ای و با چه گستره‌ای رخ داده است. دشمن نیز سرمست از پیشروی در خاک ایران در انتظار پیروزی نهایی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، لحظه‌شماری می‌کرد.

همچنان که تهاجم ابعاد تازه‌ای می‌یافت، در این سوی نبرد حماسه‌ای آرام‌آرام در حال تولد بود؛ حماسه‌ای برتر و والاتر از همه حماسه‌هایی که ملت ایران در طول تاریخ خود آفریده بود؛ حماسه‌ای مقدس و معنوی که از درون فرهنگی بارور و ریشه‌دار و باورهای ژرف ملتی مؤمن سرچشمه می‌گرفت. این حماسه که «دفاع مقدس» نام گرفت، روزبه‌روز بالنده‌تر و سست‌تر شد و چونان کوهی تنومند و استوار در برابر هجوم دشمن قد علم کرد. این حماسه

در او ان خردسالی اش دشمن را ۳۵ روز پشت دیوارهای خرمشهر - که تنها، چند ساعت برای فتحش پیش بینی کرده بود - نگاه داشت. همین کافی بود تا او را متقاعد سازد که در محاسباتش دچار اشتباهی بزرگ شده است. این خردسال آن گاه که رشد و استحکام یافت و روی پای خود ایستاد، دشمن را زبونانه و سرافکننده از سرزمین ها و شهرهای اشغالی بیرون راند و در خاکش تعقیب کرد. به راستی چرا دشمن نتوانست ظهور این حماسه را پیش بینی کند؟ بی گمان، عوامل به وجود آورنده آن را در محاسبه های خود منظور نکرده بود. به سخن دیگر، دشمن از عواملی غفلت ورزید که تمامی فرعونیان و نمرودیان تاریخ آن ها را در برابر پیامبران الهی و شایستگان و برگزیدگان، و مشرکان در جنگ های بدر و احزاب و فتح مکه در برابر مسلمانان نادیده انگاشتند. این عوامل ناپیدا از دید دشمن، موازنه قدرت را که در ظاهر به نفع او بود، برهم زد و او را پس از هشت سال نبرد ناکام گذاشت. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید:

آن ها حساب همه چیز را می کردند الا یک حساب و آن حساب «معنویت» [بود]... حساب عشایر را کرده بودند، حساب روحانیون را هم کرده بودند، حساب ارتش را هم بعد کرده بودند، حساب قوای نظامی و انتظامی را هم کرده بودند، حساب پاسدارها را هم کرده بودند، لکن یک حساب را نکرده بودند و آن حساب «معنویت» بود. آن ها توجه به این نداشتند که ملت همه با هم علاقه به خدا دارند و علاقه به اسلام.^۱

حضرت آیه الله خامنه ای نیز در این باره فرموده است:

این که دشمنان خدا - امریکا و استکبار و در برهه ای شرق و غرب با هم و

ارتجاع و دیگران - این طور دست به یکی کردند و به ما حمله کردند، به خاطر همین بود که محاسباتشان از عنصر «توکل» و «ایمان به خدا» خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند. با این حساب باید بگوییم که آن‌ها از یک جهت درست فهمیده بودند. واقعاً اگر ملت ما ایمان به خدا و اتصال به مبدأ ربوبی و غیب را نداشت، همانی که آن‌ها خواسته بودند می‌شد؛ یعنی انقلاب شکست می‌خورد، ملت عقب‌نشینی می‌کرد.^۱

آن کسی که همه جوانب را ملاحظه می‌کند بعد مثلاً به طبس و یابِه مرزهای غربی و جنوبی ما حمله می‌کند، کجای کارش اشکال دارد؟ آیا در محاسبات مادی‌اش یک نقطه غلط هست؟ نه، محاسبات مادی تا آن جا که درک فعل و انفعالات مادی به انسان می‌دهد، درست است. روی پول و آدم و ابزار و سیاست و تبلیغ و حمایت‌ها حساب کردن، اجزای یک محاسبه مادی است. همه نوع محاسبه را کردند، ولی آخر سر می‌بینند که در مشتشان هیچ چیز نیست. این حاکی از آن است که یک سلسله محاسبات و علل و عوامل و فعل و انفعالات هست که حواس انسان در اغلب موارد، عقل مادی انسان را به آن‌ها راه نیست. آن‌ها را دید دیگری می‌تواند ببیند.^۲

بنابراین، مجموعه عواملی پا به عرصه نبرد گذاشت که دست‌کم از دید طراحان و مجری تهاجم پنهان مانده بود. بی‌گمان، بیش‌تر این عوامل از سنخ عواملی که دشمن در اختیار داشت نبود، زیرا در این صورت، برای او به راحتی قابل محاسبه و پیش‌بینی بود. هرچند بسیاری از این عوامل، پیش‌تر، در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی رخ نمود و شگفتی جهانیان و سردرگمی و ناتوانی

۱. حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۵، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۷۵.

استکبار جهانی و شیطان بزرگ را به دنبال داشت، اما در جنگ تحمیلی مورد غفلت دشمن قرار گرفت. ماهیت این عوامل به گونه‌ای است که باید آن‌ها را «عوامل معنوی و فرهنگی» نامید. اینک پرسش اساسی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای آن است، این است که «مهم‌ترین عوامل معنوی و فرهنگی که در آفرینش حماسه دفاع مقدس و پیروزی رزمندگان نقش داشته‌اند، چیست؟»

۲. اهمیت مسأله

از آفاتی که هر حماسه‌ای را تهدید می‌کند، تحریف معنوی حقایق آن و وارونه جلوه دادن عواملی است که آن را آفریده است. یک حماسه برای آن که زنده و ماندگار و از تحریف مصون بماند و همچنان روح حماسی یک ملت را شاداب نگاه دارد، باید به طور صحیح، ثبت و روایت شود و ابعاد گوناگون آن به طور دقیق تبیین گردد. پاسداشت یک حماسه از آنرو اهمیت و ضرورت دارد که نسل‌های بعدی می‌توانند آن را در آزمون‌های سخت حوادث سرمشق قرار دهند و از پیام و دستاورد سترگ حماسه‌سازان الهام و نیرو بگیرند.

حماسه دفاع مقدس نیز از سخن یادشده مستثنا نیست. این حماسه بزرگ و مقدس باید به عنوان میراثی گرانسنگ در ذهن ملت ایران باقی و از آفت تحریف مصون بماند. تنها در این صورت است که آیندگان و کسانی که دوران پرافتخار دفاع مقدس را درک نکرده‌اند، می‌توانند این میراث را در منظر دیدگان خویش قرار دهند و از اندوخته‌های گرانبهای آن سود جویند. با پاسخ گفتن به پرسشی که مطرح شد، هم می‌توان گوشه‌ای از حقایق دفاع مقدس را تبیین کرد و آن را از تحریف دور نگاه داشت و هم می‌توان به رموز و عوامل

اساسی پیروزی در دفاع مقدس دست یافت تانیروهای مسلح و جوانان برومند میهن اسلامی بتوانند با تمسک به این عوامل، انقلاب و میهن اسلامی را در برابر تهاجم احتمالی بیگانگان پاس دارند.

۳. حدود و قلمرو مسأله

پیروزی و شکست در جنگ مرهون دو دسته عامل کلی است: نخست، عوامل مادی و دوم، عوامل غیرمادی. همچنین توان رزمی یک نیروی نظامی از عوامل فیزیکی و محسوس و عوامل غیرفیزیکی و نامحسوس و عوامل برترساز تشکیل می‌شود.^۱ در این پژوهش تنها عواملی مورد پژوهش قرار می‌گیرند که از عوامل غیرمادی محسوب می‌شوند، اما به طور دقیق همان عواملی نیستند که در بحث توان رزمی، عوامل غیرفیزیکی و نامحسوس نام گرفته‌اند. مراد از عوامل غیرمادی در این پژوهش، مجموعه عواملی است که دارای خاستگاه معنوی و فرهنگی است. دامنه و گستره این عوامل فراتر از عوامل غیرفیزیکی و نامحسوس توان رزمی است، زیرا عوامل غیرفیزیکی و نامحسوس،

۱. توان رزمی عبارت است از نیرو یا قدرتی که هر یگان رزمی برای انهدام دشمن و انجام مأموریت از آن استفاده می‌کند. توان رزمی ترکیبی از عوامل محسوس یا فیزیکی، عوامل نامحسوس یا غیرفیزیکی و عوامل برترساز می‌باشد. عوامل محسوس یا فیزیکی، عواملی است که در اختیار فرمانده یک یگان رزمی است. یگان‌های مانوری، آتش‌های سازمانی، آتش‌های غیرسازمانی، یگان‌های پشتیبانی رزمی و یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی، عوامل محسوس یا فیزیکی‌اند. عوامل نامحسوس و غیرفیزیکی عبارتند از سازمان، رهبری، آموزش، انضباط، روحیه، آداب و سنن، حمیت قسمتی، تحرک و لجستیک. همچنین آب و هوا، زمین، هماهنگی و کنترل، آسیب‌پذیری و قبول خطر، عملیات اطلاعاتی، پوشش و فریب تاکتیکی، ممانعت و سد موانع، عملیات روانی، و عملیات جنگ الکترونیکی از عوامل برترساز می‌باشند. این عوامل در زمره عوامل نامحسوس محسوب می‌شوند. ر.ک: اصول جنگ و توان رزمی، بهروز بحرینی، عزت‌الله نبائی، ص ۱۷-۴۷.

تنها، به نیروهای نظامی اختصاص دارد، اما عوامل معنوی و فرهنگی افزون بر نیروهای نظامی، امداد و نصرت الهی، رهبری و ملت رانیز شامل می‌شوند. قلمرو زمانی پژوهش، دوران هشت سال دفاع مقدس از آغاز تا پایان است و محدوده مکانی آن، جبهه‌های نبرد، پشت جبهه و اردوگاه‌های اسارت در عراق است.^۱

۴. مفاهیم و اصطلاحات

مفاهیم و اصطلاحات چندی در این پژوهش به کار رفته است که بایسته است تعریف و تبیین شوند:

یک - عوامل: عوامل جمع عامل و عامل به معنای عمل‌کننده است. در این جا، امور و موارد تأثیرگذار و نقش‌آفرین در آفرینش حماسه دفاع مقدس و پیروزی رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی مراد است.

دو - معنوی: معنوی منسوب به معنا و معنا در لغت، حقیقت، باطن و واقعیت در مقابل صورت و ظاهر است. از این رو، معنوی به معنای حقیقی و راست، اصلی و باطنی در مقابل مادی، ظاهری و صوری است.^۲ مراد از عوامل معنوی در این جا، عواملی است که منشأ غیبی و آسمانی دارد و از سنت‌های الهی به شمار می‌آید. بدین معنا، امداد و نصرت الهی از عوامل معنوی است.

سه - فرهنگی: فرهنگی منسوب به فرهنگ و فرهنگ در لغت به معنا علم و

۱. همچنان که رزمندگان در جبهه‌ها به نبردی سخت مشغول بودند و رهبری و ملت در پشت جبهه، پشتیبانی معنوی و مادی رزمندگان را انجام می‌دادند، آزادگان سرافراز نیز در زندان‌های عراق درگیر مبارزات طاقت‌فرسا بودند. هرچند این مبارزه از سنخ نبرد در جبهه و دوران پیش از اسارت نبود، اما بی‌گمان، تأثیر آن در تخریب روحیه دشمن کم‌تر از رزم در میدان نبرد نبود.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه معنا.

دانش، ادب، عقل و خرد، تعلیم و تربیت است.^۱ معنای اصطلاحی فرهنگ معرکه آرای نظریه پردازان و دانشمندان به ویژه جامعه‌شناسان است. از این رو، فرهنگ از جمله واژگانی است که تعاریف بسیار گوناگونی را بر تافته است. عده‌ای فرهنگ را وجه معنوی و متعالی زندگی اجتماعی تعریف کرده‌اند و در مقابل، وجوه مادی و فنی زندگی اجتماعی را تمدن نامیده‌اند.^۲ برخی فرهنگ را بر همه پدیده‌آورده‌های انسانی، خواه مادی و خواه معنوی، اطلاق می‌کنند.^۳ از نظر عده‌ای دیگر، فرهنگ یا تمدن، کلی (مجموعه) پیچیده‌ای است که شامل باورها، هنرها، اخلاق، عادات و هر توانایی می‌شود که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند.^۴ فرهنگ در تعریفی دیگر، مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین است. واژه اکتسابی تمایز دهنده رفتارهای برخاسته از وراثت و ویژگی‌های زیستی است.^۵ تعریف دیگر فرهنگ عبارت است از نظامی از باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتارهایی که اعضای یک جامعه به کار می‌بندد تا خود را با جهان و نیز با یکدیگر سازگار کنند و آن را از طریق آموختن از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.^۶ «مجموعه افکار و معلومات اعم از نظری و علمی»،^۷ «توده‌ای از افکار، خصایل و اشیاء»،^۸ «مجموعه

۱. همان، ذیل واژه فرهنگ.

۲. مبانی جامعه‌شناسی، عبدالحسین نیک‌گهر، ص ۲۶۰.

۳. مبانی جامعه‌شناسی، آلفرد مک کلاک لی و همکاران، ترجمه محمدحسین فرجاد و هما بهروش، ص ۱۷۳.

۴. درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، ص ۱۶۵.

۵. مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، ص ۵۹.

۶. انسان‌شناسی فرهنگی، دانیل بیتس، فرد پلاگ، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۴۴.

۷. جامعه‌شناسی، ساموئل کینگ، ترجمه مشفق همدانی، ص ۵۵.

۸. همان.

مخلوقات انسان»^۱، «مجموعه مساعی بشر برای تطبیق یافتن با محیط خویش و اصلاح طرز زندگی»^۲، «معانی و ارزش‌های تقسیم‌شده‌ای که اعضای هر گروه به طور مشترک دارا هستند»^۳ و «شیوه‌های زندگی که اعضای یک جامعه می‌آموزند، در آن مشارکت دارند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد»^۴، تعاریف دیگری از فرهنگ است.

چنان‌که از تعاریف یادشده استفاده می‌شود، برخی فرهنگ و تمدن را به یک معنا به کار می‌برند و یا این که تمدن را زیرمجموعه فرهنگ برمی‌شمارند و همه دستاوردهای معنوی و مادی بشر را فرهنگ می‌نامند.^۵ در مقابل، عده‌ای دیگر میان فرهنگ و تمدن فرق می‌گذارند و دستاوردهای معنوی بشر یعنی باورها، ارزش‌ها، اخلاق، هنر، دانش، آداب و سنن را فرهنگ می‌نامند و دستاوردهای مادی بشر یعنی ابزار و وسائل، ساختارها و مؤسسه‌های اجتماعی را که از دستاوردهای معنوی یعنی فرهنگ سرچشمه می‌گیرد، تمدن می‌خوانند. مقصود از فرهنگ در این پژوهش نیز دستاوردهای معنوی یا ذهنی

۱. همان.

۲. همان.

۳. جامعه‌شناسی، کارولین بی رز، ترجمه ناصر رحیمی، ص ۱۰۰.

۴. مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ص ۷۲.

۵. کسانی که فرهنگ را در این مفهوم گسترده به کار می‌برند، معمولاً فرهنگ را به دو نوع یا مرحله مادی و غیرمادی تقسیم می‌کنند. این عده غالباً از فرهنگ مادی یا مرحله مادی فرهنگ همان چیزی را اراده می‌کنند که دسته دیگر از واژه تمدن اراده می‌کنند. البته کسانی هم وجود دارند که برای فرهنگ سه عنصر مادی، شناختی و قواعد سازمانی قائلند. عنصر فنی یا مادی فرهنگ، مهارت‌های فنی، هنرها، ابزار و وسائل و اشیای مادی دیگری است که اعضای جامعه از آن بهره می‌گیرند. عنصر شناختی فرهنگ، باورها، اسطوره‌ها، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و دانش‌ها، و عنصر قواعد سازمانی فرهنگ، شیوه‌های زندگی مردم، آداب و رسوم، قوانین، مقررات، نظام‌ها و آیین‌های یک جامعه است. (مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ص ۷۲).

است. از این رو، عوامل فرهنگی از مقوله دستاوردها و اندوخته‌های معنوی است. از آن جا که اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران و رزمندگان مسلمانند، مراد از فرهنگ در این جا، فرهنگ اسلامی است.

۵. پیشینه پژوهش

کارهای پژوهشی و تألیفی بسیاری تاکنون در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دفاع مقدس انجام شده است. برخی از مراکز مانند بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی سپاه، کنگره‌های بزرگداشت سرداران و رزمندگان شهید دفاع مقدس، بنیاد شهید انقلاب اسلامی و ستاد امور آزادگان، در تلاش گسترده‌ای خاطرات، دست‌نوشته‌ها، وصیت‌نامه‌ها، زندگی‌نامه‌های رزمندگان اسلام را به صورت صدها جلد کتاب ارزشمند منتشر کرده‌اند. هدف از تدوین و انتشار این آثار، ثبت حماسه دفاع مقدس و انتقال آن به نسل‌های آینده است. در این آثار از برخی عوامل معنوی و فرهنگی که روح دفاع مقدس را تشکیل می‌دهند، سخن به میان آمده است، اما در هیچ‌یک از این آثار، این عوامل به صورت دسته‌بندی شده ارائه نشده است؛ تنها در مجموعه ارزشمند «فرهنگ جبهه» نگاشته آقای سیدمهدی فهمی تا اندازه‌ای این کار انجام شده است. برای مثال، «آداب و رسوم» این مجموعه پاره‌ای از عوامل معنوی و فرهنگی را در خود گرد آورده است. در عین حال این نوع از آثار دربردارنده اطلاعات فراوانی درباره عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس است و از همین رو نیز از منابع مهم این پژوهش محسوب می‌شوند.

به موازات نشر آثار یادشده، پژوهش‌هایی در بُعد نظامی و سیاسی دفاع مقدس انجام شده و می‌شود. در این پژوهش‌ها که مراکزی مانند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه و دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه بدان‌ها می‌پردازند، بیش‌تر، تجزیه و تحلیل عملیات‌ها از بُعد نظامی و سیاسی، برخورد مجامع و سازمان‌های بین‌المللی با جنگ تحمیلی و نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جنگ و مانند آن مد نظر قرار می‌گیرد و کم‌تر از عوامل معنوی و فرهنگی سخن به میان می‌آید. البته در آثار این مراکز نیز گهگاه به عوامل مؤثر معنوی و فرهنگی اشاره شده است و به همین دلیل بخشی از این آثار نیز جزو منابع این پژوهش می‌باشند. به طور کلی می‌توان گفت پژوهش مستقلی در باره عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس صورت نگرفته است. از این رو، طرح عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس در نوع خود بدون پیشینه است.

۶. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات لازم جز در بحث «هنر و ادبیات» که به صورت کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است، صرفاً به صورت کتابخانه‌ای گرد آمده است. برای گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای، از شیوه فیش‌برداری و نسخه‌برداری و در روش میدانی، از شیوه مصاحبه استفاده شده است.

۷. منابع پژوهش

برای شناخت عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، اسناد مکتوب دفاع مقدس مانند سخنان حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی،

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های فرماندهان، خاطرات رزمندگان، زندگی‌نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های شهیدان گرانقدر و گزارش راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از منابع اولیه و معتبر محسوب می‌شوند. بخش زیادی از این منابع به صورت کتاب و یا خبر و گزارش در روزنامه‌ها و مجله‌ها انتشار یافته است و بخشی تاکنون منتشر نشده است. افزون بر این‌ها که بیش‌ترین منابع را در این پژوهش به خود اختصاص می‌دهند، برای تبیین مبانی نظری هریک از عوامل معنوی و فرهنگی، از منابع اسلامی، تاریخی و تخصصی نیز استفاده شده است. از این‌رو، منابع عمده این پژوهش عبارتند از:

یک - منابع اسلامی مانند قرآن کریم و نهج البلاغه؛

دو - منابع تاریخی مانند مغازی و اقدی، مقتل خوارزمی؛

سه - صحیفه نور و حدیث ولایت؛

چهار - کتب منتشر شده درباره دفاع مقدس مانند گزارش و تحلیل عملیات‌ها، خاطرات فرماندهان، رزمندگان، جانبازان و آزادگان؛

پنج - اسناد منتشر نشده مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

شش - روزنامه‌های جمهوری اسلامی، کیهان و اطلاعات؛

هفت - مجله‌های پیام انقلاب، امید انقلاب، صف و سروش.

فهرست تفصیلی منابع پژوهش در پایان هر جلد از این مجموعه آمده است.

۸. مبانی نظری پژوهش

هریک از عوامل معنوی و فرهنگی دارای مبانی نظری است که غالباً در فصل نخست مباحث با عنوان کلیات به بحث گذاشته می‌شوند، اما در این جا، برای تبیین اهمیت و جایگاه عوامل معنوی و فرهنگی، به مواردی اشاره می‌گردد:

یک - از تفاوت های اساسی جهان بینی الهی و اسلامی با جهان بینی مادی این است که از نظر جهان بینی مادی، عوامل مؤثر بر سرنوشت جهان و انسان منحصر در عوامل مادی است، اما از نظر جهان بینی الهی، افزون بر عوامل مادی و حسی، یک سلسله عوامل معنوی در عالم وجود دارد که در سرنوشت جهان و انسان مؤثر است. به سخن دیگر، عوامل ناپیدا و غیر قابل تجربه با حواس، بخشی از نظام علل و اسباب این جهان را تشکیل می دهند. استاد شهید مطهری در این باره می فرماید:

از نظر مادی، عوامل مؤثر در اجل و روزی و سلامت و سعادت و خوشبختی منحصر ا مادی است. تنها عوامل مادی است که اجل را نزدیک یا دور می کند؛ روزی را توسعه می دهد یا تنگ می کند؛ به تن سلامت می دهد یا [از آن] می گیرد؛ خوشبختی و سعادت را تأمین یا نابود می کند، اما از نظر جهان بینی الهی، علل و عوامل دیگری که عوامل روحی و معنوی نامیده می شوند نیز همدوش عوامل مادی در کار اجل و روزی و سلامت و سعادت و امثال این امور مؤثرند.^۱

دو - همچنین در جهان بینی اسلامی، علل و عوامل معنوی می توانند علل و عوامل مادی را تحت تأثیر و تحت الشعاع خود قرار دهند. امدادهای غیبی ای که در قرآن کریم در نصرت «مجاهدان فی سبیل الله» در جنگ های صدر اسلام آمده است، از موارد تقدّم علل معنوی بر علل مادی است.^۲ همچنین ایمان^۳ به

۱. مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۴۰۵، انسان و سرنوشت.

۲. مباحث مربوط به امدادهای غیبی شامل مفهوم، اهمیت، انواع و شرایط در بخش دوم کتاب خواهد آمد.

۳. مباحث مربوط به ایمان، در بخش اول این کتاب، بحث «باورهای دینی» می آید.

خداوند متعال و ارزش‌های اخلاقی چون اخلاص، توکل و یادکردن خدا^۱ که از عوامل معنوی‌اند، می‌توانند عوامل مادی را بی‌اثر و خنثی سازند. به طور کلی، منطق قرآن این است که گروهی اندک و برخوردار از عوامل معنوی، به اذن الهی قادر است بر گروهی بسیار و بهره‌مند از عوامل مادی چیره گردد.^۲

سه - از نظر جهان‌بینی اسلامی، خداوند متعال نظام هستی را بر اساس حق و عدالت آفریده و شنوا و بینا قرار داده است، و تمامی آسمان‌ها و زمین و همه موجودات هستی لشکریان خداوند.^۳ از این‌رو، خداوند از حق‌جویان و عدالت‌خواهان حمایت می‌کند و آنان را از نصرت و یاری خویش برخوردار می‌سازد.^۴ آنان که در جبهه حق تلاش می‌کنند، از عمق جان باور دارند که حرکت آنان با نظام اتم و اکمل آفرینش هماهنگ و همسو است و از نصرت و حمایت خداوند متعال برخوردارند. استاد شهید مطهری تفاوت دیدگاه انسان مادی و الهی را در این باره این‌گونه تبیین می‌کند:

یک نفر مادی هر اندازه به مسلک و روش و آیین خود مؤمن و معتقد باشد، بیش از این عقیده ندارد که به هر اندازه سعی و کوشش و مجاهدت در راه تحقق بخشیدن به آرمان خود به خرج دهد، نتیجه می‌گیرد، اما یک نفر مسلمان مؤمن و معتقد به قضا و قدر الهی عقیده دارد که جهان‌طوری ساخته شده است که اگر او در راه عقیده و ایمان خود فداکاری کند و کوشش به خرج دهد، دستگاه علی و معلولی جهان به حمایت او برمی‌خیزد و او را از

۱. «ارزش‌های اسلامی»، در جلد دوم این مجموعه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲. «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است». بقره (۲)، آیه ۲۴۹.

۳. ر.ک: فتح (۴۸)، آیه ۴ و ۷؛ اسراء (۱۷)، آیه ۴۴.

۴. ر.ک: محمد (ص)، آیه (۴۷)، آیه ۱۷ حج (۲۲)، آیه ۳۸ و ۴۰.

پشتیبانی خود بهره‌مند می‌کند؛ صدها هزار برابر نیرویی که او، خود، در راه هدف خود مصرف می‌کند، نیروی ذخیره در جهان هست که در چنین شرایطی به یاری او به کار می‌افتد.^۱

استاد شهید مطهری تأثیر این مبانی را بر رفتار انسان‌های مؤمن این‌گونه توضیح می‌دهد:

این‌گونه اعتقاد به تقدیر و تدبیر الهی که نتیجه‌اش توکل و اعتماد به خداست، ترس از مرگ و نابودی و همچنین ترس از فقر و بی‌چیزی را از میان می‌برد و بزرگ‌ترین نقطه ضعف آدمی را که ترس از نیستی یا هستی شقاوت‌آلود است، اصلاح می‌کند. اعتقاد به وجود این‌گونه حساب‌ها در کار عالم بود که مسلمانان صدر اسلام را آن اندازه فعال و کوشا و شجاع و دلیر بار آورد که در جهان مانند ندارد.^۲

حضرت امام خمینی در این باره می‌فرماید:

سیر پیشرفتی که در صدر اسلام شد، این است که سربازان اسلام با تعداد کمی که داشتند، در مقابل تعداد زیادی از سربازان دشمن که یکی ایران و یکی روم بود و بسیار هم مجهز بودند، ایستادند و پیروز شدند، زیرا سلاح معنوی داشتند، یعنی اعتقادشان بر این بود که ما اگر برویم و کشته شویم، باز هم سعادتمند هستیم و اگر بکشیم هم ما سعادتمندیم.^۳

چهار - انسان موجودی مرکب از جسم و روح است. خداوند متعال نخستین بشر را از خاک آفرید و از روح خود در آن دمید. همچنین او را با نیروی عقل و

۱. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۴۱۴، انسان و سرنوشت.

۲. همان، ص ۴۱۳.

۳. جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، مهدی هرنیدی، ص ۱۲۲.

تفکر بر سایر موجودات برتری داد. از نظر جهان‌بینی الهی، روح اصالت دارد و تن و جسم، تنها، قالبی برای پرورش روح آدمی است. بدیهی است که قدرت و توانایی بشر نیز از جسم، عقل و روح او سرچشمه می‌گیرد و قدرت جسمی، قدرت فکری و قدرت روحی مجموع توانایی‌های آدمی است. قدرت روحی یا روحیه ارتباط تنگاتنگی با عوامل معنوی و فرهنگی دارد، زیرا بخشی از این عوامل از آن جهت در زمره عوامل معنوی و فرهنگی قرار می‌گیرند که توان روحی و روحیه افراد را افزایش می‌دهند.

روحیه در جنگ از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. روحیه «نحوه تفکر یک فرد در علاقه‌مندی به اجرای وظائف محوله و تشریک مساعی به عنوان عنصری از یک سازمان برای نیل به هدف آن سازمان» است.^۱ «روحیه قوی بدین معنا است که هر فردی در یک گروه کار خواهد کرد یا خواهد جنگید و در صورت لزوم در انجام وظیفه خود تا سرحد امکان، آخرین تلاش خود را خواهد کرد.»^۲

در اهمیت روحیه در جنگ سخن‌های بسیاری گفته شده است. «تعداد نفرات و قدرت، باعث پیروزی در جنگ نمی‌شود، بلکه هر ارتشی که با نیروی روحی قوی‌تر به میدان نبرد وارد شود، معمولاً دشمنانش قادر نخواهند بود که در مقابل آن ایستادگی کنند»، «روحیه سرباز پراهمیت‌ترین عامل در جنگ است»، «نسبت قوای روحی به قوای جسمانی سه بر یک است» و «در پایان، روحیه همواره بر شمشیر پیروز خواهد شد».^۳ سخنان برخی فرماندهان بزرگ نظامی در باره اهمیت روحیه در جنگ است.

۱. اصول جنگ و توان رزمی، ص ۲۳.

۲. روحیه جنگی، اف. ام. ریچاردسون، ترجمه پیروز ایزدی، ص ۴.

۳. همان، ص ۱ و ۱۴ اصول جنگ و توان رزمی، ص ۲۴.

اهمیت روحیه آن‌گاه بیش‌تر آشکار می‌شود که یک واحد نظامی دچار ضعف روحیه و آسیب‌دیدگی روانی گردد. در این مواقع، نیروها کارایی خود را در نبرد از دست می‌دهند و با اندک فشار دشمن درهم می‌شکنند.

از عوامل مؤثر در تقویت روحیه و افزایش آمادگی روحی، ایمان مذهبی است. این حقیقتی است که کارشناسان نظامی نیز بر آن تأکید دارند و به آن اعتراف می‌کنند.^۱ اینان معتقدند ایمان مذهبی در محیط پراز تشنج و اضطراب جنگ، آرامش روحی را برای سربازان به ارمغان می‌آورد. یکی از کسانی که به مدت شش سال در هانوی، پایتخت ویتنام، اسیر بوده است، می‌گوید: دین و مذهب خیلی برای ما مهم بود... ما برای آن که بتوانیم آن‌روزگار سخت را به پایان آوریم، به خداوند نیازمند بودیم.^۲

همچنین «اعتقاد به ماهیت جنگ و ایمان به درستی عمل رهبران ملی و نظامی، روحیه‌ساز بزرگی است که موجب وحدت و یکدلی افراد یک جامعه گشته و پیروزی و موفقیت در جنگ را تضمین می‌کند».^۳

پنج - افزون بر روحیه، انضباط - که از عوامل نامحسوس و غیرفیزیکی توان رزمی محسوب می‌شود - ارتباط نزدیکی با عوامل معنوی و فرهنگی دارد، زیرا انضباط دارای دو جنبه معنوی و ظاهری است. جنبه معنوی انضباط محصول ایمان به خداوند متعال، احساس مسئولیت و پایبند بودن به ارزش‌های اخلاقی و الهی و اعتماد به فرماندهان، رؤسا و همکاران است. ویژگی جنبه معنوی انضباط در این است که اگر تمامی کنترل‌ها بر داشته شود،

۱. روحیه جنگی، ص ۵۷-۶۲.

۲. فصلنامه بررسی‌های نظامی، ش ۱۱، پاییز ۷۱، ص ۵۰-۵۱.

۳. اصول جنگ و توان رزمی، ص ۲۴.

همچنان برقرار و پابرجای است. این جنبه از انضباط پایه و اساس ارتش‌های مکتبی، شرافتمند، فداکار و وظیفه‌شناس را تشکیل می‌دهد و بدون آن، بنای هیچ ارتشی پایدار نخواهد بود.^۱ عوامل معنوی و فرهنگی همچنان که روحیه رزمی را در رزمندگان افزایش می‌دهند، انضباط به‌ویژه جنبه معنوی آن را نیز ایجاد و تقویت می‌کنند.

۹. پیش‌فرض‌های پژوهش

در این پژوهش دو مطلب پیش‌فرض و مسلم تلقی شده است که در این جا بایسته است به اختصار بیان گردند.

۱-۹. پیروزی ایران در جنگ

هرچند سیاست استکبار در اوائل جنگ، کمک به دشمن برای پیروزی و در سال‌های بعد، جلوگیری از پیروزی ایران بود، اما سرانجام، ملت مسلمان ایران در جنگ پیروز شد. بهترین راه شناخت طرف پیروز در جنگ این است که بنگریم آغازگر جنگ چه اهدافی را از شروع تهاجم دنبال می‌کرد و آیا در پایان جنگ به این اهداف رسید یا نه؟ اگر دشمن مهاجم به اهداف از پیش تعیین شده دست یافته باشد، پیروزی‌اش در جنگ مسلم است، در غیر این صورت، شکست و ناکامی او قطعی است؛ هرچند خود را پیروز جنگ بپندارد. بنابراین، اگر ایران اسلامی دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشته باشد، در جنگ پیروز شده است.

با توجه به مستندات موجود و اظهارات مسؤولان عراقی، اهداف عراقی از تهاجم به ایران را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف - اهداف توسعه طلبانه مرزی

عراق در این دسته، هدف‌های ذیل را مدنظر داشت:

یک - برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود: دولت عراق می‌خواست با تحمیل جنگ بر ایران، حاکمیت مطلق خود را بر اروندرود - که براساس ماده ۲ عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر به طور مشترک بر آن حاکمیت داشتند و خط تالوک به عنوان مرز ایران و عراق در این رودخانه تعیین شده بود - به دست آورد. صدام حسین در جلسه فوق‌العاده مجلس ملی عراق، این عهدنامه را ملغی اعلام کرد و رودخانه اروند را از آن عراق دانست. دیگر مسئولان عراقی نیز بارها هدف از آغاز جنگ را حاکمیت مطلق بر اروند اعلام کرده‌اند. اشغال خرمشهر و محاصره آبادان برای تحقق این هدف انجام شد، اما با انجام عملیات «ثامن الائمه» و «بیت المقدس» که محاصره آبادان شکسته و خرمشهر آزاد شد، عراق نتوانست به این هدف خود جامه عمل بپوشاند و شکست خورد.^۱

دو - تجزیه خوزستان و الحاق آن به عراق: خوزستان به لحاظ داشتن ذخایر عظیم نفت و زمین‌های حاصلخیز همواره مورد طمع بیگانگان بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولت عراق تلاش گسترده‌ای را برای تجزیه خوزستان آغاز کرد. بخشی از این تلاش عبارت بود از چاپ و انتشار نقشه‌هایی که خوزستان از ایران جدا شده بود، وارد کردن اسلحه، خرابکاری در تأسیسات نفتی و شهرها و پشتیبانی از جنبش‌های تجزیه طلبانه. دولت عراق در ابتدا این نیت پلید را با اعلام حمایت از خودمختاری مردم خوزستان و ایجاد یک حکومت مستقل در این منطقه مخفی داشت، اما اظهارات بعدی

۱. کانون‌های بحران در خلیج فارس، اصغر جعفری ولدانی، ص ۶۸-۶۹

مقام‌های عراقی روشن ساخت که قصد واقعی آنان، تجزیه خوزستان و الحاق آن به عراق بوده است.^۱

تهاجم به خوزستان آغاز شد، اما دشمن با همه تلاشش نتوانست این بخش را از سرزمین ایران جدا و به خاک خود ضمیمه کند. مقاومت و صف‌ناپذیر مدافعان به ویژه اهالی خوزستان که صدام چشم‌پاری از آنان داشت، باعث شد که دشمن نتواند بیش از یک‌سوم خوزستان را به اشغال خود درآورد؛ مناطقی که بعدها به دست رزمندگان اسلام آزاد شد و به آغوش میهن اسلامی بازگشت. سه - ادعای استرداد جزایر سه گانه: ادعای مسئولان عراقی مبنی بر استرداد جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به وسیله ایران، از شش ماه پیش از آغاز جنگ شدت می‌گیرد. آنان خود را متعهد به بازپس‌گیری این جزایر و بازگرداندن آن‌ها به امارات اعلام می‌کنند. صدام حسین در تیرماه ۱۳۵۹ می‌گوید:

اکنون توان بازپس گرفتن جزایر و امکان به دست آوردن موردی که آن را باز خواهیم گرفت، داریم، پس چه دلیلی وجود دارد که سکوت کنیم. دولت عراق قصد داشت همزمان با حمله به ایران، جزایر سه گانه ایرانی را نیز اشغال نماید، اما چند ساعت پیش از آغاز تهاجم متصرف شد، زیرا عمان، امارات و عربستان سعودی به علت عدم اعتقاد به امکان موفقیت طرح مذکور، از همکاری با دولت عراق خودداری کرده بودند. همگی دیدیم که تجاوز عراق به ایران نتوانست جزایری را که متعلق به ایران است، از آن جدا کند.^۲

۱. کانون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۷۱-۷۴؛ ما اعتراف می‌کنیم، محسن صفری، ص ۴۹.

۲. کانون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۷۴-۷۶.

ب - اهداف جاه‌طلبانه سیاسی

دولت عراق، جاه‌طلبانه، سه هدف سیاسی را از هجوم خود به ایران دنبال می‌کرد که به هیچ یک دست نیافت. این اهداف عبارت بودند از:

یک - ایفای نقش ژاندارم خلیج فارس: پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سرنگونی رژیم منحوس پهلوی ژاندارم غرب در خلیج فارس، موجب شد تا سران رژیم عراق به فکر تصاحب این مقام برآیند. در جلسات متعدد و محرمانه‌ای که میان سران حزب بعث عراق تشکیل گردید، تأکید شد که ایران پس از انقلاب قادر به ایفای نقش ژاندارمی نیست و در بین کشورهای منطقه، تنها، عراق است که می‌تواند این نقش را بر عهده بگیرد. نتیجه این جلسات این شد که زمینه برای ایجاد یک موقعیت ژئوپولیتیک جدید به وسیله عراق فراهم است. از این رو، برای شناسایی این موقعیت جدید به وسیله دنیای عرب، باید ایران مورد تهاجم نظامی قرار گیرد؛ تهاجمی که به شکست ایران منتهی خواهد شد. صدام حسین تجاوز عراق به ایران را دفاع از ملت عرب، کشورهای خلیج فارس و حفظ ویژگی عربی بودن خلیج فارس عنوان می‌کرد.^۱ از آن جا که عراق نتوانست اهداف توسعه‌طلبانه مرزی به‌ویژه تجزیه خوزستان را تحقق بخشد، نتوانست به این هدف سیاسی نیز نائل آید، زیرا ژاندارمی خلیج فارس مستلزم در اختیار داشتن ساحلی قابل توجه از خلیج فارس است که عراق آن را در اختیار نداشت و با جنگ نیز به دست نیاورد.

دو - رهبری جهان عرب: صدام حسین با خوی جاه‌طلبی که داشت، رؤیای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند. پس از این که دولت مصر با امضای موافقتنامه کمپ دیوید نقش رهبری جهان عرب را از دست داد، صدام حسین

۱. کانون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۷۷-۷۹.

در صدد برآمد تا این خلأ را پر کند، اما وی به حادثه مشابهی مانند ملی کردن کانال سوئز در سال ۱۹۵۵ نیاز داشت. با تصرف خوزستان ضربه شکننده‌ای به ایران وارد می‌شد و عراق به عنوان حامی کشورهای عربی و نیروی نظامی برجسته خلیج فارس ظهور می‌کرد. عراق بدین ترتیب می‌توانست رهبری جهان عرب را به دست گیرد. مقاومت بزرگ ملت ایران در حماسه دفاع مقدس هرگز فرصت تعبیر شدن این رؤیای حاکم عراق را نداد.

سه - سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران: بی‌گمان از اهداف مهم سیاسی تهاجم عراق به ایران، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. مسؤولان عراقی می‌پنداشتند با تحقق اهداف نظامی به‌ویژه تجزیه خوزستان، براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی میسر خواهد شد. طه یاسین رمضان، معاول اول نخست‌وزیر عراق، پس از چندماه از آغاز جنگ در مصاحبه اختصاصی با روزنامه الثورة، ارگان رسمی حزب بعث، گفت:

ما بر این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر این‌که رژیم حاکم بر ایران به کلی منهدم شود.^۱

وی در جای دیگر می‌گوید:

این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چندصد کیلومتر خاک و یانصف

شط العرب نیست، این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.^۲

یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در این باره می‌گوید:

۱. کاتون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۷۹-۸۱.

۲. ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، محمد جواد پور، علی

نیکفرد، سید یعقوب حسینی، ص ۴۱.

دلیل واقعی جنگ، درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و سلطه یافتن بر خلیج فارس بود. در این روند، عراق امیدوار بود که انقلاب ایران را در منطقه خفه کند و نابود سازد که این، برای کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس اهداف چندان ناخوشایندی نبود.^۱

خبرگزاری‌ها و مطبوعات خارجی نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند. روزنامه ستاره سرخ مسکو نوشت:

رهبران عراق که تهاجم را در سطح وسیعی آغاز نمودند، تصویری کردند با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته، قطعه‌قطعه خواهد شد.^۲

خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌های خارجی در تهران در مورد هدف عراق چنین گزارش داد:

هدف اعلام‌نشده عراق در جنگ، سقوط حکومت جمهوری اسلامی ایران و تصرف منطقه نفتی خوزستان بوده است.^۳

از منظر حضرت امام (ره) و مسؤولان نیز هدف اساسی عراق، نابودی انقلاب و سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی ایران بود. امام در پیام برائت از مشرکان سال ۶۶، خطاب به مسلمانان ایران و جهان می‌فرماید:

آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بی‌خردی به‌منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود... هیچ‌کس از این مدعیان صلح جلوی آتش‌افروزی او را نگرفته و از

۱. سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۶، آغاز تا پایان، محمد درودیان، ص ۱۶-۱۷.

۲. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۲، جنگ بازبانی ثابت، محمد درودیان، ص ۲۰، پاورقی. (نقل از بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو، ۵۹/۸/۸).

۳. همان، ص ۲۱، پاورقی.

امکانات و اهرم‌های فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره
 نجست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برخاست.^۱
 حضرت آیه الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

این جنگ علیه انقلاب ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و
 از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد.^۲
 آیه الله هاشمی رفسنجانی نیز می‌گوید:

شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود.^۳

اما عراق پس از هشت سال جنگ با ایران نه تنها نتوانست این هدف خود
 را محقق سازد، بلکه تهاجم به ایران وحدت و انسجام ملت ایران و استحکام
 نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را به دنبال داشت.

چنان‌که ملاحظه شد، عراق به هیچ‌یک از اهداف توسعه‌طلبانه مرزی و
 جاه‌طلبانه سیاسی‌اش دست نیافت و سرانجام مجبور شد تمامی خواسته‌های
 ایران از جمله قرارداد مرزی ۱۹۷۵ الجزایر را بپذیرد. صدام که با دست خود
 این قرارداد را پاره کرده بود، در نامه‌ای به رئیس جمهور وقت ایران اعتراف
 کرد که اکنون ایران به تمامی خواسته‌های خود دست یافته است:

برادر علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری

با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب، همه آنچه
 می‌خواستید و به آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله
 اسناد باقی نمی‌ماند.^۴

۱. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۲۰، ص ۳۲۱-۳۲۲.

۲. بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع (مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع)، ج ۱، ص ۳۴.

۳. سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۱، از خونین شهر تا خرمشهر، ص ۲۹.

۴. تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۴۶۱.

سرانجام، دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ دربارهٔ اجرای قطعنامهٔ ۵۹۸، عراق را آغازگر جنگ معرفی نمود^۱ و بدین ترتیب، پیروزی و حقانیت جمهوری اسلامی ایران در جنگی نابرابر بیش از پیش برای جهانیان آشکار گشت.^۲

حضرت امام خمینی (ره) دربارهٔ پیروزی ایران در جنگ می‌فرماید:
در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث دهه‌سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات چیزی به دست نیاوردند.^۳

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای نیز در این باره می‌فرماید:

ما در این ماجرای هشت‌ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را می‌خواستیم بگیریم نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد، همه دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم، ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت، پیروزی از این بالاتر؟^۴

۱. اسناد تجاوز به روایت مطبوعات خارجی، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲. پیروزی ایران در جنگ حقیقی است که حتی دشمنان انقلاب اسلامی و ملت ایران نیز بدان اعتراف کرده‌اند. برای نمونه، جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در تاریخ ۳۱ شهریور ۶۹ در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «صدام حسین با تحمیل جنگی که به کشته شدن صدها هزار نفر از دو طرف منجر گردید، سرانجام پیروزی را به طرف مقابل ارائه کرده» (ما اعتراف می‌کنیم، ص ۲۹).

۳. صحیفهٔ امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳.

۴. روزنامهٔ کیهان، ۷/۷/۷۹، ص ۱۴.

۲-۹. نقش تعیین‌کننده عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدّس

دومین اصلی که در این پژوهش مسلّم گرفته می‌شود و تفصیل اثبات آن را باید در جای خود جست‌وجو کرد، این است که عوامل معنوی و فرهنگی در پیروزی رزمندگان اسلام در دفاع مقدّس نقشی اساسی و تعیین‌کننده ایفا کردند؛ به گونه‌ای که دفاع مقدّس منهای این عوامل سرنوشتی دیگر پیدا می‌کرد و عراق به اهداف تهاجم خویش دست می‌یافت. این اصل، خود، بر دو مقدمه استوار است که تفصیل آن از حوصله این پژوهش خارج است، اما بایسته است به اختصار بیان شوند:

مقدمه نخست: چنان‌که پیش‌تر گفته شد، عوامل پیروزی در سطح ملی منوط به فراهم آمدن عوامل مادی و عوامل معنوی و فرهنگی است که در مجموع توان یک ملت را در برابر دشمن تشکیل می‌دهند.

مقدمه دوم: در این مقدمه که قدری بیش‌تر درباره آن سخن خواهیم گفت، مدعا این است که جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدّس، در مجموع از نظر عوامل بالفعل مادی به مراتب از عراق ضعیف‌تر بود. عراق در طول جنگ اعم از آغاز، اثنا یا پایان جنگ، به لحاظ داشتن سلاح و تجهیزات، تعداد نیروهای نظامی، بنیه اقتصادی و حمایت‌های نظامی، سیاسی و مالی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، برتری محسوس و غیر قابل انکاری نسبت به ایران داشت. عظمت و تأثیر بسیار زیاد عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدّس آن‌گاه آشکار می‌شود که روشن گردد دشمن با چه توان مادی در برابر ایران اسلامی صف‌آرایی کرده بود. این ادعا بدین معنا نیست که دشمن هیچ عامل غیرمادی در اختیار نداشت^۱ یا ما عوامل مادی در اختیار نداشتیم و یا عوامل مادی در

۱. برای مثال، عراق در تبلیغات که یکی از عوامل فرهنگی است، گاه از ما قوی‌تر بود. برای آگاهی بیش‌تر به جلد ششم این مجموعه مراجعه کنید.

پیروزی ما در جنگ تأثیر نداشتند،^۱ بلکه بدین معنا است که کفّه توان و قدرت مادی به سود عراق و کفّه توان و قدرت معنوی و فرهنگی به نفع ایران بود. در این جا، نگاهی گذرا به توان مادی عراق، حجم کمک‌های نظامی و مالی قدرت‌های بزرگ جهانی و کشورهای منطقه به عراق و برخورد سازمان‌های بین‌المللی با جنگ ایران و عراق می‌افکنیم:

الف - توان نظامی عراق و ایران

عراق از ماه‌ها پیش خود را آماده تهاجم به ایران کرده بود. عراق بادرآمدهای هنگفت نفتی که در سال ۱۹۸۰ به ۲۵ میلیارد دلار رسید، توانست خود را به انواع سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته تجهیز کند.^۲ شمار نیروهای نظامی عراق در سال ۵۸ به ۵۵۵ هزار تن رسید. ارتش عراق در سال‌های ۵۸ و ۵۹ دارای ۱۲ لشکر (پنج لشکر پیاده، پنج لشکر زرهی و دو لشکر مکانیزه)، ۱۵ تیپ مستقل (۱۰ تیپ پیاده، یک تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و سه تیپ نیروی مخصوص) بود که زیر نظر سه سپاه قرار داشتند.^۳ این ارتش، ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر در اختیار داشت.^۴

در این زمان، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی از ۲۸۰ هزار نفر به کم‌تر

۱. از جمله عوامل مادی ماکه در پیروزی نقش بسیاری داشت، طرح‌های عملیاتی و تاکتیک‌های رزمی بود که از قدرت خلافت و ابتکار فرماندهان سپاه اسلام نشأت می‌گرفت. به کارگیری این طرح‌ها و تاکتیک‌ها در بسیاری از عملیات‌ها از جمله فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجر، کربلای ۳ و کربلای ۵ به پیروزی رزمندگان اسلام انجامید.

۲. رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، حسین اردستانی، ص ۸۴-۸۵.

۳. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۱، ریشه‌های تهاجم، فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، ص ۱۱۹.

۴. سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۶، آغاز تا پایان، ص ۳۰.

از ۱۵۰ هزار نفر، نیروی هوایی از ۱۰۰ هزار نفر به ۶۰ هزار نفر، نیروی دریایی از ۳۰ هزار تن به ۲۰ هزار تن و ژاندارمری از ۷۴ هزار تن به یک سوم تنزل یافته بود. ارتش ایران هرچند پیش از انقلاب به تجهیزات جنگی مجهز شده بود، اما مهارت همه نیروهای آن به همان اندازه رشد نکرده بود. از این رو، نیروهای نظامی توانایی بهره‌گیری مناسب از تجهیزات جدید را نداشتند.^۱ برای ایران در این دوران، امکان استفاده از ۵۰ درصد تجهیزاتی که عراق در اختیار داشت، وجود نداشت.^۲ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در این زمان، نه تجربه جنگی داشت و نه اسلحه و تجهیزات سنگین و نیمه‌سنگین. نیروهای سپاه در آغاز جنگ، کم‌تر از ۳۰ هزار نفر بودند. بسیج نیز هرچند در سال ۵۸ به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شده بود، اما از آموزش و سازماندهی مناسبی برخوردار نبود و هیچ سازمان و تشکیلات مستقلی نداشت. هرچند سپاه پاسداران و بسیج، به تدریج دارای سازمان و تجهیزات - که اغلب از دشمن به غنیمت گرفته شده بود - می‌شد، اما تا پایان جنگ از این نظر به هیچ وجه با ارتش عراق قابل مقایسه نبود.^۳

ارتش عراق در سال ۱۹۸۴، تعداد تانک‌های خود را از ۲۳۰۰ دستگاه به ۴۸۲۰ دستگاه رساند، در حالی که ایران ۱۰۰۰ تانک در اختیار داشت و تنها ۷۰۰ دستگاه آن آماده نبرد بود. در همین سال تعداد هواپیماهای عراق از ۳۳۰ فروند به ۵۸۰ فروند رسید، اما ایران ۹۰ هواپیما در اختیار داشت که ۶۰ فروند آن فعال بود. ایران در این زمان، ۱۰۰۰ و عراق، ۳۵۰۰ دستگاه توپ سنگین در اختیار داشتند.^۴

۱. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۱، ریشه‌های تهاجم، ص ۹۷-۹۸.

۲. رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، ص ۸۵.

۳. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۱، ریشه‌های تهاجم، ص ۹۹-۱۰۰.

۴. رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، ص ۱۳۲-۱۳۳.

ارتش عراق در سال ششم جنگ، تعدادی لشکر به تعداد لشکرهای خود افزود و نیروهای پیاده خود را به ۵۵۰ گردان ارتقا داد. سپاه در این زمان، تنها، ۸۰ گردان نیرو در اختیار داشت.^۱ ارتش عراق در سال پایانی جنگ، حدود ۵۰۰۰ تانک، ۴۵۰۰ نفر بر زرهی، ۵۵۰۰ توپ و آلات توپخانه، ۴۲۰ هلی کوپتر، ۷۲۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد در اختیار داشت. بغداد با این سلاح‌ها توانست تعداد لشکرهای خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ به ۵۰ لشکر در سال ۱۹۸۸ برساند.^۲

نشریه اسپرسو چاپ ایتالیا، موازنه نظامی ایران و عراق را در سال پایانی جنگ این گونه منتشر می‌کند:

عراق	ایران	
۸۰۰۰۰ نفر	۶۵۵۰۰ نفر	ارتش
۷۰۰۰ دستگاه	۱۰۵۰ دستگاه	تانک
۵۶۰۰ قبضه	۶۰۰ قبضه	توپخانه
۵۰۰ فروند	۴۰۰ فروند	هواپیما
۲۰۰ فروند	۳۰۰ فروند	هلی کوپتر
۳۴ فروند	۲۱ فروند	کنشی

آمار یادشده بیان تمامی واقعیت نیست، زیرا ایران در این زمان، ۱۵۰ تا ۲۰۰ فروند هواپیما و ارتش عراق حدود ۴۵۰ فروند هلی کوپتر در اختیار داشت.^۳ اما در مجموع نشان می‌دهد که عراق به لحاظ در اختیار داشتن نفرات و اسلحه و تجهیزات سال به سال از ایران قوی تر شده بود.

۱. سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۶، آغاز تا پایان، ص ۱۳۵ - ۱۳۷.

۲. همان، ص ۲۰۰.

۳. همان، ص ۲۰۰ - ۲۰۱.

ب - پشتیبانی قدرت‌های جهانی

بر اساس اطلاعات موجود، بیش‌تر قدرت‌های نظامی برتر جهان در طول هشت سال جنگ تحمیلی با اسلحه و تجهیزات پیشرفته به تجهیز ارتش عراق و تقویت بنیه نظامی این کشور پرداختند. برخی از این کشورها مستشاران و اطلاعات مهم نظامی را در اختیار عراق گذاشتند و برخی مستقیماً به نفع عراق وارد جنگ شدند. پس از تهاجم نظامی عراق به کویت و به خطر افتادن منافع کشورهای غربی، رسانه‌های ارتباط جمعی و شخصیت‌های این کشورها، خود، زبان به اعتراف گشودند که عراق را در دوران جنگ با ایران، به انواع سلاح‌های پیشرفته و استراتژیک مجهز کردند و از آن غولی نظامی ساختند.^۱ در این جا به پشتیبانی قدرت‌های جهانی از عراق اشاره می‌کنیم:

یک - آمریکا: دولت آمریکا در ابتدای جنگ اعلام بیطرفی کرد، اما تصریح نمود که این موضع به معنای بی تفاوتی نیست و برای تضمین ادامه صدور نفت خلیج فارس از نیروی نظامی استفاده و در صورت درخواست کشورهای منطقه، به آن‌ها کمک خواهد کرد. آمریکا نه تنها تجاوز عراق به ایران را محکوم نکرد، بلکه بر ادعای بغداد مبنی بر این که تهران در صدد صدور انقلاب خود به عراق است، صحه گذاشت و مسئولیت آغاز جنگ را متوجه ایران کرد. آمریکا در حالی که به شدت از ارسال هرگونه کمکی از جمله ۲۴۰ میلیون دلار لوازم یدکی توقیف شده به ایران خودداری می‌کرد، به ایتالیا اجازه داد تا از موتورهای جت آمریکایی برای ساخت چهار ناو جنگی عراق استفاده کند. همچنین چند روز پس از آغاز جنگ، چهار فروند هواپیمای

۱. برای آگاهی از گوشه‌ای از این اعترافات ر.ک: ما اعتراف می‌کنیم، ص ۵۷-۶۴؛ اسناد تجاوز به

روایت مطبوعات خارجی، ج ۱، ص ۵۳-۶۰

آواکس در اختیار عربستان قرار داد تا تمامی تحولات نظامی ایران را در جبهه جنوبی و ترمینال نفتی خارک و میدان‌های نفتی ایران در خلیج فارس زیر نظر بگیرد. این اطلاعات بعداً با شروع و گسترش روابط آمریکا و عراق، در اختیار عراق قرار گرفت.

سیاست دولتمردان آمریکا پس از فتح خرمشهر تقویت عراق و تضعیف ایران بود. آمریکا در این مقطع از یک سو متحدان اروپایی و منطقه‌ای خود را برای کمک نظامی و مالی به عراق ترغیب کرد و از سوی دیگر از آنان خواست تا ایران را تحت فشار اقتصادی قرار دهند. همچنین نام عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد و به شرکت‌ها، بانک‌ها و کمپانی‌های ساختمانی آمریکا اجازه داد تا برای افزایش میزان صادرات نفت عراق از طریق ایجاد خط لوله‌ای از خاک اردن و عربستان، در چند طرح مختلف مشارکت جویند. آمریکا برای احداث خط لوله عراق - اردن، ۴۲۵ میلیون دلار و برای صدور گندم و دیگر فراورده‌های کشاورزی به عراق، ۴۰۰ میلیون دلار وام تضمینی در اختیار عراق قرار داد.^۱

آمریکا از پاییز ۱۹۸۳ عملیات «استانچ» را برای جلوگیری ایران از دسترسی به تجهیزات نظامی و سلاح به اجرا درآورد.^۲ پس از افشای سفر

۱. رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، ص ۸۷-۸۹، و ۱۲۲-۱۲۳.

۲. این عملیات بدین‌گونه بود که آمریکایی‌ها با جمع‌آوری اطلاعات در مورد خریدهای سلاح و مسائل نظامی ایران از طریق دولت یا واسطه‌ها و بازار سیاه، بلافاصله وارد عمل می‌شدند و به کشور فروشنده تذکر می‌دادند و یا بعضاً اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می‌کردند. این اقدام آمریکایی‌ها باعث شد که مسیر دستیابی ایران به سلاح طولانی شود و سلاح‌ها با قیمت بالاتری خریداری گردد. (سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۶، آغاز تا پایان، ص ۹۰-۹۱).

مک فارلین^۱ در سال ۶۵ به ایران برای برقراری ارتباط با ایران - که با افشای آن به وسیله مسؤولان جمهوری اسلامی ایران به رسوایی آمریکا در میان متحدان اروپایی و منطقه‌ای اش انجامید - آمریکا برای دلجویی از عراق، اطلاعات دقیقی از اوضاع نظامی ایران را در اختیار عراق گذاشت؛ آگاه کردن ارتش عراق از منطقه مورد نظر ایران برای عملیات و جزئیات تحرک و مانور نیروهای ایرانی از جمله اقدامات اطلاع‌رسانی بود که در ناکامی ایران در عملیات کربلای ۴ تبلور یافت. عراقی‌ها بیدرنگ پس از این عملیات از آمریکایی‌ها تشکر کردند.^۲

آمریکا در مقطع پایانی جنگ تصمیم گرفت برای جلوگیری از شکست عراق مستقیماً وارد جنگ شود. نصب پرچم خود بر روی کشتی کوییتی همزمان با تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت آغاز این سیاست آمریکا بود. در این مقطع، درگیری‌های نظامی محدودی میان آمریکا و ایران رخ داد که همه نشان از ورود مستقیم آمریکا در جنگ به نفع عراق داشت. برای نمونه، هلی‌کوپترهای آمریکایی در ۳۱ شهریور ۶۶ کشتی «ایران اجر» را منهدم کردند و همزمان با عملیات بازپس‌گیری فاو به وسیله عراق در ۲۹ فروردین ۶۷، به سکوهاى نفتی رشادت، سلمان و مبارک و نیز به ناوهای ایرانی سه‌ند و جوشن حمله کردند و رزمناو سیلان را بمباران نمودند. سرانجام، دولت آمریکا با حمله به هواپیمای مسافربری ایران و کشتن ۲۹۰ انسان بیگناه در ۱۲ تیر ۶۷ - که با سکوت مطلق ابرقدرت شرق همراه بود و از توافق دو ابرقدرت برای پایان

۱. برای آگاهی از این سفر و پیامدهای آن ر.ک: همان، ص ۱۶۱ - ۱۶۸.

۲. رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، ص ۱۴۳ - ۱۴۵؛ سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۶، آغاز تا پایان، ص ۱۷۲ - ۱۷۳.

دادن به جنگ حکایت داشت. نشان داد که برای جلوگیری از شکست نظامی عراق حاضر است افراد غیر نظامی و بیگناه را نیز قربانی کند.^۱

دو - شوروی: دولت شوروی سابق در جنگ ایران و عراق اعلام بیطرفی کرد و برای حفظ ظاهری این سیاست و جلب توجه ایران، فرستادن تسلیحات به عراق را معوق گذاشت، اما برای جلوگیری از رنجش عراق، متحدان خود در اروپای شرقی را تشویق کرد تا نیازهای تسلیحاتی عراق را برطرف سازند. کشورهای بلغارستان، چک اسلواکی سابق و لهستان این مهم را بر عهده گرفتند. ایران از شوروی خواست تا تجاوز عراق به ایران را محکوم کند، اما شوروی از این کار امتناع ورزید.

با آغاز حملات ایران به داخل خاک عراق، سیاست شوروی تغییر کرد و در نتیجه، حمله ایران را شدیداً محکوم کرد و برای جلوگیری از پیروزی ایران، کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود به عراق را از سر گرفت. این دولت در همان ابتدا یک کمک ۱/۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد قرار داد. همچنین جنگنده‌های میگ ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا به عراق فرستاده شد و دو هزار مستشار نظامی روسی مجدداً در عراق به فعالیت پرداختند.

مسکو با تیرگی روابط ایران و شوروی به دلیل دستگیری اعضای حزب توده و اعدام برخی از آنان، همکاری‌های خود با عراق را گسترش داد. در سال ۱۹۸۴

۱. برای آگاهی بیش‌تر از حمایت آمریکا از عراق در دفاع مقدس ر.ک: جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، مقاله «مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق»، حسین یکتا، ص ۱۴۴-۱۶۷؛ رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران ص ۸۷-۸۹، ۱۲۰-۱۲۴، ۱۳۹-۱۴۵ و ۱۶۲-۱۷۱؛ سیری در جنگ ایران و عراق، ج ۶، آغاز تا پایان، ص ۶۰-۶۲، ۷۴-۷۵، ۷۵-۹۰، ۹۵-۱۳۳ و ۱۳۴-۱۶۹.

موافقتنامه اعطای وام دراز مدت ۲ میلیارد دلاری را با آن کشور به امضا رساند و ضمن افزایش میزان خرید نفت از عراق، تعهد کرد که در ازای قیمت نفت، تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دهد.^۱

شوروی از اواسط سال ۱۹۸۶ تا اوایل سال ۱۹۸۸ میلادی ۹/۳ میلیارد دلار اسلحه به عراق داد. این سلاح‌ها شامل ۲۰۰۰ دستگاه تانک از جمله ۸۰۰ تانک پیشرفته و مؤثر تی ۷۲، ۳۳۰ فروند جنگنده از جمله میگ‌های ۲۳، ۲۵ و ۲۷، و ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین بود.^۲ شوروی پس از عملیات کربلای ۵، برای جلوگیری از شکست عراق، بیش از پیش به تجهیز عراق پرداخت. در بهمن ماه ۶۶ رئیس هیأت شوروی در سازمان ملل اعلام کرد که کشورش فعالانه عراق را تقویت می‌کند. دادن موشک‌های دوربرد و هواپیماهای پیشرفته میگ ۲۹ و ۳۱ به عراق، این امکان را به بغداد داد تا جنگ شهرها را با شدت هرچه بیش‌تر ادامه دهد.^۳

اوج جهت‌گیری سیاست شوروی به نفع عراق پذیرش درخواست کویت برای نصب پرچم خود بر روی نفتکش‌های این کشور در خلیج فارس بود. شوروی در سال ۶۶ از مواضع قبلی خود در جنگ ایران و عراق فزاینده‌تر رفت و اظهار داشت که آماده است نه تنها با حمایت کشتی‌ها، بلکه با اقدامات دیگری از سازمان ملل برای اجرای مجازات‌ها علیه ایران حمایت کند. پس از درگیری عملی آمریکا با ایران، مواضع شوروی جز برخی مخالفت‌های لفظی، سکوت و دنباله‌روی از استراتژی آمریکا بود.^۴

۱. جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، مقاله مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق، ص ۱۷۰-۱۷۴.

۲. رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، ص ۱۴۲.

۳. همان، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۴. همان، ص ۱۶۵-۱۶۷.

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در باره حمایت شوروی از عراق در جنگ تحمیلی می‌فرماید:

من بارها گفته‌ام ما یک وقتی می‌خواستیم برای جبهه‌ها سیم‌خاردار - که در داخل کشور نداشتیم و تولید نمی‌شد - از جایی وارد کنیم. همین کشور شوروی اجازه نداد ما سیم‌خاردار از داخل کشور او عبور دهیم و به ایران بیاوریم. گفت: این وسیله جنگی است! یعنی ادعا این بود که آن‌ها به دوطرف جنگ کمک نمی‌کنند! این در حالی بود که هواپیمای روسی، موشک روسی، کارشناس روسی، افسر روسی، مواد منفجره روسی، تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن ما و طرف مقابل ما در این جنگ بود.^۱

سه - کشورهای اروپایی: کشورهای اروپایی همانند دو ابرقدرت شرق و غرب، در آغاز جنگ به سکوت معناداری دست زدند و از محکوم کردن تجاوز عراق به ایران خودداری ورزیدند، اما با شروع حمله‌های ایران و چرخش جنگ به نفع ایران، سعی کردند با کمک مالی و تسلیحاتی به عراق، از شکست آن کشور جلوگیری کنند.

فرانسه چهار ماه پس از آغاز جنگ - که طی سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ میلادی ۲ میلیارد دلار اسلحه به عراق فروخته بود - اعلام کرد که ۶۰ فروند هواپیمای میراژ اف - ۱ را در ادامه اجرای قرارداد سال ۱۹۷۷ به عراق ارسال داشته است. فرانسه در سال ۱۹۸۲ با میزان دریافتی ۴۰ میلیارد فرانک از عراق بابت سلاح‌های ارسال شده به این کشور، پس از شوروی دومین کشور فروشنده سلاح به عراق بود.

فرانسه در سال ۱۹۸۳ ۵/۶ میلیارد دلار اسلحه به عراق فروخت و هواپیماهای

سوپر اتاندارد را به همراه موشک‌های انگزوسه در اختیار این کشور قرار داد. این کشور طی سال‌های ۸۵ و ۸۶ میلادی ۵ میلیارد دلار وام در اختیار بغداد قرار داد، در حالی که در این زمان، از پرداخت بدهی یک میلیارد دلاری خود به ایران طفره رفت.^۱

افزون بر فرانسه، انگلستان نیز در طول سال ۸۱ و ۸۲ میلادی، با انعقاد چند قرارداد عمده، سلاح‌های بسیاری در اختیار عراق قرار داد. این کشور در سال ۱۹۸۲ موافقت خود را برای تحویل تانک به عراق به ارزش یک میلیارد دلار اعلام، و مذاکره با این کشور را درباره فروش ۳۰۰ هواپیمای هاوک به مبلغ ۲ میلیارد دلار آغاز کرد. در همین سال آلمان غربی نیز سفارشی از عراق به مبلغ ۴ میلیارد مارک برای تحویل ضدهوایی رونالد دریافت داشت و این در حالی بود که این کشور از تحویل سه ناوچه ایرانی که پیش از انقلاب خریداری شده بود، خودداری کرد.^۲

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای درباره مواضع کشورهای اروپایی در جنگ ایران و عراق می‌فرماید:

همین اروپای به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و در مقام صحبت بانزاکت و ادب و اتوکشیده - چه قسمت شرقی‌شان یعنی یوگسلاوی فعلی و بقیه کشورهای بلوک شرق آن روز و چه قسمت غربی‌شان یعنی همین آلمان و بقیه - آنچه توانستند به عراق کمک کردند؛ حاضر نبودند ساده‌ترین چیزها را به ایران بفروشند. اگر یک وقتی هم از یک طرفی دولت جمهوری اسلامی می‌توانست چیزهایی را از این‌ها بگیرد، با چندبرابر قیمت و با زحمت می‌توانست به دست بیاورد.^۳

۱. جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، مقاله «مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق»، ص

۱۸۰-۱۸۳.

۲. همان، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۳. کیهان، ۷۹/۷/۷، ص ۱۴.

چهار- کشورهای منطقه: عراق در طول جنگ هشت ساله از حمایت بیدریغ دلارهای نفتی کشورهای عرب به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس بهره‌مند بود. اعطای میلیاردها دلار به صورت کمک بلاعوض و وام بدون بهره، توان مالی عراق را به نحو چشمگیری افزایش داد. کویت در اواخر سال ۱۹۸۱ میلادی یک کمک ۷ میلیارد دلاری در اختیار عراق قرار داد. به دنبال آن، عربستان سعودی ۳ میلیارد دلار، امارات عربی یک میلیارد دلار و قطر ۵۰۰ میلیون دلار به عراق کمک کردند. این کشورها به طور کلی تا زمان فتح خرمشهر ۲۵ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. طی سال‌های ۸۲ تا ۸۵ میلادی نیز عربستان ۶ میلیارد دلار و اردن ۶۵ میلیون دلار در اختیار عراق قرار دادند؛ در حالی که عربستان به منظور کاهش درآمدهای نفتی ایران، بر تولید و صدور نفت خویش افزود.

کشورهای عربی تنها به کمک‌های گسترده مالی بسنده نکردند، بلکه بندرگاه‌های خود را برای حمل کالا در اختیار عراق قرار دادند. افزون بر این، از لحاظ نیروی انسانی و تسلیحاتی نیز به یاری عراق شتافتند. طه یاسین رمضان، معاون نخست‌وزیر عراق، خود، اعتراف کرد که ۱۴ هزار نفر از کشورهای مصر، اردن، یمن، مراکش، تونس و سودان به ارتش خلقی عراق کمک کرده‌اند؛ در حالی که آمار واقعی بیش از این‌ها بود. مصر طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ میلادی ۲/۷ میلیارد دلار اسلحه به عراق تحویل داد.

تهاجم عراق به کویت برای کشورهای عرب حامی عراق در طول هشت سال جنگ علیه ایران بسیار گران آمد، زیرا ارتشی را که خود تجهیز کرده بودند، به آنان حمله‌ور شده و پاسخ تمامی کمک‌هاشان را با تهاجم داده بود. در این زمان، زمامداران کشورهای عربی خلیج فارس و نیز رسانه‌های ارتباط جمعی

دنیا زبان به اعتراف گشودند که تاجچه اندازه در افزایش توان رزمی عراق سهیم بوده‌اند و حتی نوجوانان سربازان عراقی را در جنگ عراق علیه ایران تأمین کرده‌اند.^۱

ج - سکوت و حمایت سازمان‌های بین‌المللی

اگر نگوییم سازمان‌های بین‌المللی در موضع‌گیری در برابر تجاوز عراق به ایران کارنامه‌ای سیاه‌تر و شرم‌آورتر از قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای داشتند، بی‌گمان نسبت به وظایف قانونی خود در محکوم کردن تجاوز و تجاوزگر و حمایت از دفاع و مدافع به گونه‌ای بی‌سابقه و شگفت‌آور کوتاهی کردند و تسامح ورزیدند. در این جا، شمه‌ای از عملکرد سازمان‌های بین‌المللی را با توجه به پژوهش‌های مفصلی که در این زمینه انجام شده است، می‌آوریم:

یک - سازمان ملل: شورای امنیت سازمان ملل در تمام طول جنگ از احراز تجاوز عراق براساس منشور سازمان ملل خودداری کرد و به این ترتیب، مواد ۴۱ و ۴۲ این منشور را نادیده گرفت و در تمامی قطعنامه‌های خود از عراق حمایت کرد. این شورا یک روز پس از تجاوز عراق به ایران بیانیه‌ای ضعیف و چند روز بعد اولین قطعنامه خود را صادر کرد. شورای امنیت در این قطعنامه یعنی قطعنامه شماره ۴۷۹ و دیگر قطعنامه‌هایی که پس از آن صادر کرد، سخنی از تجاوز و محکومیت متجاوز به میان نیاورد و در حالی که عراق بخش‌هایی از سرزمین ایران را در تصرف داشت، از دو طرف می‌خواست که به جنگ خاتمه دهند و اختلافات خود را پشت میز مذاکره و با گفت‌وگو حل نمایند.

۱. ر.ک: جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، مقاله «مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق»، ص ۱۵۶ و ۱۶۱؛ رویارویی استراتژی‌ها؛ جنگ عراق و ایران، ص ۱۲۴-۱۲۵ و ۱۴۱؛ ما اعتراف می‌کنیم، ص ۱۵۳-۱۶۹.

اقدامات شورای امنیت متأثر از میدان‌های نبرد بود؛ آن‌گاه که عراق در درون خاک ایران به تحکیم مواضع خویش می‌پرداخت، با سکوتی معنادار طولانی جانب عراق را می‌گرفت و آن‌گاه که ایران دشمن متجاوز را مورد حمله قرار می‌داد و به عقب می‌راند، با صدور قطعنامه نگرانی خود را از گسترش جنگ - که در واقع نگرانی از شکست عراق بود - ابراز می‌داشت. صدور دومین قطعنامه شورای امنیت پس از حدود بیست ماه به هنگام فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام شاهد این مدعا است. با وجود این، حمله‌های برق‌آسا و دشمن‌شکن رزمندگان اسلام به‌ویژه عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۵ شورای امنیت را بر آن داشت تا برخی از خواسته‌های برحق ایران اسلامی را در متن قطعنامه ۵۹۸ بگنجانند.

برای شناخت برخورد دوگانه شورای امنیت کافی است به متن و حجم قطعنامه‌هایی که این شورا پس از حمله عراق به کویت صادر کرد، نگاهی بیفکنیم. در اولین روز تهاجم عراق، شورای امنیت قطعنامه ۶۶۰ را صادر کرد که در آن، عراق را به دلیل نقض صلح و امنیت بین‌المللی و زیرپا نهادن مواد ۳۹ و ۴۰ منشور محکوم می‌کند و خواستار خروج فوری و بی‌قید و شرط نیروهای عراقی از کویت می‌شود. شورای امنیت در این ماجرا در فاصله کم‌تر از ۴ ماه ۱۲ قطعنامه صادر می‌کند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در جنگ عراق علیه ایران، برخلاف انتظار، تنها با صدور یک قطعنامه و نیز با انتخاب نماینده عراق به ریاست مجمع در سال ۱۹۸۱، عملاً از عراق حمایت کرد و در طول جنگ ایران و عراق هیچ ابتکاری برای خاتمه دادن به جنگ از خود نشان نداد.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر از عملکرد سازمان ملل متحد در جنگ ایران و عراق ر.ک: سازمان‌های

دو - جنبش عدم تعهد: جنبش عدم تعهد که به منظور جلوگیری از بروز جنگ، تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و حفظ حقوق کشور های عضو به وجود آمد، موضع صحیح، صریح و عادلانه‌ای در باره جنگ ایران و عراق اتخاذ نکرد و از انجام وظیفه اصلی خود یعنی محکوم کردن تجاوز عراق به ایران شانه خالی کرد. این جنبش در طول جنگ، تنها، به اظهار نگرانی و توصیه به دو کشور برای پایان دادن به جنگ بسنده کرد. این توصیه‌ها زمانی ابراز می‌شد که پایان جنگ به نفع عراق و به ضرر ایران بود. در زمانی که نیروهای متجاوز یعنی در خاک ایران بودند، چنین توصیه و درخواست‌هایی، در حقیقت، تأیید تجاوز و تثبیت متجاوز محسوب می‌شد. موضع جنبش عدم تعهد در برابر تمامی جنایات‌های ضدبشری رژیم عراق از جمله حمله به مناطق مسکونی، حمله به کشتی‌های تجاری و بیطرف، ساقط کردن هواپیمای مسافربری سکوت بود. از این‌رو، این جنبش به دلایل مختلف ماهیت و اصول خود را در جنگ عراق علیه ایران زیر پا گذاشت و از انجام وظایف اصلی خویش در برابر تجاوز سر باز زد.^۱

سه - سازمان کنفرانس اسلامی: برخورد اولیه این سازمان با جنگ عراق علیه ایران، در حالی که عراق بخش‌هایی از خاک ایران را در تصرف داشت، درخواست از دو طرف برای توقف جنگ بود و این در حقیقت، تثبیت متجاوز و خلع سلاح مظلوم در دفاع مشروع محسوب می‌شد. این سازمان در

۱- بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، سازمان ملل متحد، حسن یکتا، ص ۸۷-۱۱۵؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، عباس هدایتی خمینی؛ نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، دکتر منوچهر پارسادوست.

۱. برای آگاهی بیش‌تر از مواضع جنبش عدم تعهد در طول جنگ، ر.ک: سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، جنبش عدم تعهد، محمدحسین جمشیدی، ص ۱-۶۸.

مذاکرات خود با ایران و عراق از آن‌ها می‌خواست که جهت تعیین مرزها و وضعیت شط العرب [=اروند رود] با هم مذاکره و گفت‌وگو کنند. معنای این سخن آن بود که هر نوع عقب‌نشینی عراق تا تعیین مرزها معوق بماند و تجاوز عراق مشروع تلقی گردد.

سازمان کنفرانس اسلامی پس از فتح خرمشهر به دست رزمندگان اسلام در پیشنهاد صلحی که ارائه کرد، با وجود تعیین کمیته‌ای برای شناسایی متجاوز، معتقد بود که ابتدا باید آتش‌بس برقرار شود و پس از عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی متجاوز تعیین گردد؛ در حالی که هیچ تضمینی برای این اقدام وجود نداشت. از این رو، ایران معتقد بود پیش از برقراری آتش‌بس باید متجاوز تعیین و محاکمه و غرامت پرداخت گردد. سازمان کنفرانس اسلامی از این به بعد، لحن حمایت‌گرانه‌ای نسبت به عراق داشت. به طور کلی، مواضع سازمان کنفرانس اسلامی متأثر از قدرت نظامی دو طرف و شرایط بین‌المللی بود. این سازمان در مجموع گام مؤثر و بیطرفانه‌ای را در جهت پایان دادن به جنگ برنداشت.^۱

۳-۹. نتیجه

در دو مقدمه پیشین به اختصار دریافتیم که عوامل مؤثر پیروزی در جنگ، در دو دسته عوامل مادی، و معنوی و فرهنگی منحصر است و عراق به لحاظ عوامل بالفعل مادی یعنی اسلحه و تجهیزات و نیز حمایت تسلیحاتی و مالی بسیاری از کشورها در سطح بین‌الملل و منطقه و همچنین حمایت‌های سیاسی مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، از ایران برتر بود.^۲ با ضمیمه کردن این دو مقدمه به

۱. برای آگاهی بیش‌تر از عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی درباره جنگ عراق علیه ایران ر.ک:

سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، سازمان کنفرانس اسلامی، یحیی فوزی، ص ۱۵۷ تا ۲۰۸.

۲. آیه‌الله هاشمی رفسنجانی در سال چهارم جنگ درباره نابرابری ایران و عراق در جنگ به لحاظ

پیش فرض نخستین یعنی پیروزی ایران و ناکامی عراق در جنگ، این نتیجه حاصل می‌آید که عوامل معنوی و فرهنگی نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ای در پیروزی رزمندگان اسلام داشته‌اند. به سخن دیگر، عوامل معنوی و فرهنگی علل اساسی پیروزی ملت مسلمان و رزمندگان دلاور اسلام در حماسه دفاع مقدس بوده‌اند و این حقیقتی است که حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مدظله العالی بارها بر آن تأکید ورزیده‌اند. در این جا، شایسته و بایسته است به فرازهایی از سخنان این دو بزرگوار که خود در متن این حماسه بزرگ حضور داشتند، اشاره کنیم:

امام راحل با اشاره به نابرابری دو طرف جنگ به لحاظ قدرت مادی، در باره نقش عوامل معنوی می‌فرماید:

اگر نبود مجاهدت شما و برادران و خواهران بزرگوار شما در جبهه‌ها و پشت

→ عوامل مادی می‌گویند: این جنگ از جنگ‌های کم‌نظیر دنیا است. اگر ما روی ایمان و معنویات جامعه خودمان حساب نکنیم و طبق عوامل مادی بررسی کنیم، این جنگ نابرابر است؛ زیرا: اولاً: ایران تنهاست؛ این چند کشور هم که با ما بد نیستند و گاهی به ما کمک‌هایی می‌کنند، خودشان گرفتاری‌هایی از قبیل جنگ و مشکلات داخلی دارند...

ثانیاً: در طرف مقابل، عراقی‌ها از امکانات دنیا استفاده می‌کنند. آمریکا، روسیه و اقمار آمریکا همکاری می‌کنند، فرانسه با کمال پررویی طوری کمک می‌کند که گویا کشوری دست‌اندرکار جنگ با ماست. ارتجاع عرب که در حقیقت بانک دنیا است، بدون حساب به عراق کمک می‌کند...

ثالثاً: تمام امکانات تبلیغی دنیا از رادیوها، روزنامه‌ها، خبرگزاری‌های مختلف در خدمت دشمن است. رابعاً: بندرها و راه‌های اطراف عراق، در اثر جنگ به نفع عراق واگذار شده است؛ بندر عقبه، بندرهای خلیج فارس، بندرهای عربستان در دریای احمر، بندرهای مصر و حتی بندرهای لبنان در خدمت آن‌هاست. از تمامی راه‌ها و بندرهای ترکیه هم استفاده می‌کنند...

خامساً: اردن رسماً اعلام بسیج برای ارسال نیرو به عراق کرده و یک‌وقت یک لشکر و یک‌وقت دیگر دو لشکر فرستاده است. سودان و مصر خیلی نیرو فرستاده‌اند...

سادساً: کارشناسان فرانسه، روسی، انگلیسی و مصری... به دشمن کمک می‌کنند. (ماهنامه پاسدار اسلام، ش ۲۴، آذر ۶۲، ص ۱۵-۱۶).

جبهه‌ها که با اخلاص خاص خود عنایات خاص خداوند قادر را جلب نمودید، کدام قدرت و کدام ابزار جنگی می‌توانست جمهوری اسلامی و کشور عزیز شما را از این دریای مواج متلاطم که شرق و غرب و وابستگان به آنان دست به دست هم و بازو به بازوی یکدیگر داده و در پی غرق آن کوشیدند و می‌کوشند، نجات دهد. این کوردلان از خدا بی‌خبر و عاری از معنویات نمی‌دانستند که این کشتی نوح است که خدایش کشتیان و پشتیبان است. اینان با ابزار و ساز و برگ مادی به جنگ ایمان و معنویت و کشور صاحب‌الزمان ارواحنا لمقدمه الفداء آمده‌اند.^۱

بی‌تردید باید برای صدامیان و وابستگان آن در داخل کشور ثابت شده باشد که کمک‌های همه‌جانبه ابر قدرت‌ها و وابستگان به آن‌ها و بوق‌های تبلیغاتی شبانه‌روزی آنان تاکنون به حال آنان مفید نبوده و پس از این نیز به خواست خداوند تعالی مفید نخواهد بود... تمام این مسائل و رسوائی‌هایشان به خاطر آن است که اسلام و نفوذ معنوی آن را در توده‌های میلیونی مردم نشناخته‌اند و چشم و گوش خود را از شناخت حقیقت‌ها بسته‌اند. اینان آیا ندیده‌اند که در ظرف مدت کوتاهی جوانان غیور ایران در سایه معنویت اسلام از پرتگاه‌هایی که قدرت‌های نفت‌خوار و مفت‌خوار برای سقوط آنان ایجاد کرده بودند، به صورتی معجزه‌آسا نجات یافته و به قلّه بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود نموده‌اند و با شجاعت و شهامت کم‌نظیر بر کفر جهانی و عفلقیان تاخته و آنان را از کشور عزیز خود بیرون رانده‌اند و ملت اسلامی خود را از دست چپاولگران شرق و غرب نجات داده و تفاله‌های وابسته و پیوسته آنان را به جای خود نشانده‌اند و به عمر ننگین آن‌ها خاتمه داده‌اند؟^۲

۱. ضحیفه نور، ج ۱۹، ص ۹۷.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۲۰.

حضرت امام (ره) معتقد است که قدرت و توان ایران اسلامی از منبع غیبی و الهی سرچشمه می‌گیرد:

این قدرتی که الآن در ایران هست که همه رویش حساب دارند می‌کنند، همه کشورها رویش حساب می‌کنند و بدون جهت بسیاری از کشورها هم ترسیده‌اند، این یک قدرتی است که خدا داده است، این یک چیزی نیست که ما بتوانیم تحصیلش بکنیم. این چیزی است که خدا به ما عنایت فرموده است. بنابراین، ما باید روی همین مسأله همیشه تکیه بکنیم، روی این مسأله که ما خودمان چیزی نیستیم و هرچه هست مبدأ غیبی دارد و آن مبدأ غیبی است که ما را کمک می‌کند. آقا شوخی نیست که یک جمعیت کثیری باز حمت‌هایی یک دژی برای خودشان، به آن دژهای محکم درست بکنند و در پناه آن دژ باشند و یک جمعیت کمی از بیابان به آن‌ها حمله بکنند و تسلیم بشوند آن‌ها! تسلیم برای این است که می‌ترسند، ترس را که در آن‌ها ایجاد کرده است؟ ما که جمعیت‌مان به اندازه آن‌ها نبود، ما که در بیابان بودیم و در معرض این که آسیب ببینیم و آن‌ها در پناهگاه‌ها بودند و در دژهایی که درست کرده بودند و این خوف را هم نداشتند، این یک خوفی بود که خدای تبارک و تعالی در قرآن هم از آن اطلاع داده است.^۱

هم‌ایشان در باره تأثیر قدرت ایمان در حماسه دفاع مقدس می‌فرماید:

این معنویات هرچه قوی‌تر بشود، شما قوی‌تر خواهید شد. یک نفر آدم با ایمان می‌تواند با هزاران نفر بی‌ایمان مقابله کند و شما در عرض مدتی که جنگ کرده‌اید، دیده‌اید که مسأله این طوری است که ایمان وقتی که در میدان می‌آید، همه چیز را از بین می‌برد، مقابلش هرچه هست از بین می‌برد.^۲

۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۱۹۶.

امام حضور و وحدت افشار مختلف مردم را در دفاع مقدس بی سابقه می داند و می فرماید:

سابقه اصلاً ندارد، از اول تاریخ تا حالا سابقه ندارد که روحانی و ارتشی و پاسبان و پاسدار و امثال این ها در کنار هم باشند و در کنار هم جنگ بکنند. اصلاً این سابقه ای ندارد. هیچ جا، نه حالا سابقه دارد، بعدها هم معلوم نیست که - مگر به برکت اسلام - جای دیگر پیدا کند یک همچو چیزی که همه شان با هم باشند، و این صحنه هایی که در سنگرها که این ها همه با هم هستند برای من نقل می کنند واقعاً صحنه هایی است که اعجاز آمیز است و قدر این صحنه ها را بدانید.^۱

می بینید که تمام ملت ایران سرتاسر کشور زن، مرد، کوچک، بزرگ، پشتیبان شما (نیروهای مسلح و رزمندگان اسلام) هستند و این یک مسأله معنوی است، روحانی است، اسلامی است که در جاهای دیگر نظیرش را نمی بینید. این طور نیست که این جوان هایی که از شهرستان ها از عشایر و از سایر نیروهای ملت می آیند در جبهه ها از شما پشتیبانی می کنند، یک زوری در کار باشد، این ها عشقی است که به اسلام و به کشور اسلامی دارند و با این عشق پشتیبانی شما می کنند.^۲

در کجای دنیا سراغ دارید یک همچو مطلبی، یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت، از ارتش، سراغ نداریم ما جایی در این، نظیر نداشته است این، در تاریخ هم نمی توانید پیدا بکنید، از بچه های کوچکی که ده تومان دارند می دهند به، برای ارتشی که آن جا، قوای مسلحه ای که آن جا کار می کنند با آن پیرزن هشتاد ساله ای که چند تا تخم مرغ دارد، این ارزش دارد، ارزش این ها زیاد است!^۳

۱. همان، ص ۱۹۱.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۴۶.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

آن زن‌هایی که برای شما نان می‌پزند و آن مردمی که برای شما پول می‌دهد و آن مردمی که برای شما ذخیره می‌دهد و آن قدر چیزها را می‌فرستد، همین مردم مسلمانند. شما ببینید در تلویزیونتان که یک زنی که ده تا تخم‌مرغ آورده، دارد می‌آورد می‌دهد همین را، یک بچه‌ای که ده تومان دارد این را می‌دهد، این‌ها برای چه این‌ها را می‌دهند؟ این‌ها برای اسلام است، برای کشور اسلامی است.^۱ حضرت آیة‌الله خامنه‌ای نیز سخنان متعددی در باره نقش تعیین‌کننده عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس دارند که در این جا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

این قضیه واقعیت دارد که ما بدون اخلاص و اعتقاد و تعبد، هیچ چیز در این جنگ نمی‌داشتیم. یعنی اگر واقعاً ما می‌خواستیم ایمان و اخلاص را از آن تعداد جوانانی که فعالیت می‌کردند بگیریم، اسم‌ها و تیتورها و درجه‌ها و امثال این‌ها هیچ کاری نمی‌کرد. یک تعداد جوانان سپاهی و بسیجی و بعضی از ارتشی‌ها بودند که این‌ها واقعاً با اخلاص می‌جنگیدند یعنی واقعاً دلشان می‌خواست، احساس وظیفه می‌کردند و می‌جنگیدند. اگر ما این احساس وظیفه و همان عنصر ایمان را از مجموعه عدد عظیم نیروهای مسلحمان - که مثلاً گاهی یک میلیون و چندصد هزار نفر نیروی مسلح در صحنه جنگ یا پشت جبهه داشتیم - بگیریم، هیچ چیز باقی نمی‌ماند و هیچ کاری نمی‌توانستند بکنند؛ این را باید نگه داریم.^۲

معنویت، راز و نیاز با خدا، ارتباط دل‌ها با خدای متعال، هدف را خدا قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دل‌بستگی به زر و زیور دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن، این‌هاست که یک مجموعه مؤمن و یک فئه مؤمنه را به وجود می‌آورد؛

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۱.

۲. حدیث ولایت، ج ۸، ص ۲۴۷.

آن وقت «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»^۱، کم هم که باشید، با داشتن آن جنبه معنوی، زیاده‌ها را در مقابل خودتان مجبور به هزیمت می‌کنید. همین معنویت بود که بسیج را در میدان‌های نبرد آن‌طور بیتاب و عاشق می‌کرد؛ شوق جبهه این جوانان را می‌کشاند و وقتی به جبهه می‌آمدند، از جبهه دل نمی‌کنندند.^۲

همین آدم (صدام) با نیروهایش به ایران حمله کرد و هشت سال زور زد و از همه دنیا هم کمک گرفت... همه دنیا هم پشت سرش بودند، از آمریکا گرفته تا شوروی و فرانسه و خیلی از کشورهای اروپای شرقی تا خیلی از ارتجاع منطقه - که حالا خودشان هم می‌گویند پول و همه چیز به او داده‌اند - برای این که بتوانند نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند، ولی نتوانستند... آن‌ها جنگیده بودند برای این که نظام را ساقط کنند، انقلاب را از بین ببرند، ملت ایران را ذلیل کنند، خوزستان را جدا کنند و ایران را تجزیه نمایند. با این قصدها وارد جنگ شده بودند، اما یک مورد، بلکه عَشری از اعشار یکی از اهدافشان تحقق پیدا نکرد. چرا؟ چون ملت در صحنه بود، چون شما مردم بودید، چون شما اراده کردید، چون شما به خدا تکیه کردید، چون شما به نصرت الهی امیدوار بودید، چون شما ایستادید و بالاخره چون شما به دهن متجاوز زدید و او ناکام ماند.^۳

اگر ملت دیگری به جای ما بود و همه شرایط ما را می‌داشت؛ با این همه دشمن، با آن محاصره، با تحمیل جنگ هشت ساله، با ایجاد گرفتاری‌های مختلف از داخل و خارج، با تهاجم تبلیغاتی، تهاجم فرهنگی، تهاجم مالی، تهاجم

۱. بقره (۲)، آیه ۲۴۹.

۲. حدیث ولایت، ج ۸، ص ۴۲-۴۳.

۳. همان، ج ۵، ص ۹۳-۹۴.

پولی، تهاجم نظامی و با سابقه فساد چنددهساله، بلکه چندصدساله‌ای که بر او تحمیل کرده بودند، منتها منهای ایمان و منهای خدا، یقیناً آن ملت طاقت نمی‌آورد و به این‌جا نمی‌رسید و در نیمه راه به زانو درمی‌آمد و نمی‌توانست پرچم پیروزی را مثل ما که امروز بر بام عالم برافراشته‌ایم و افتخار می‌کنیم، بيفرازد. این که دشمنان خدا - امریکا و استکبار و در برهه‌ای شرق و غرب با هم و ارتجاع و دیگران - این‌طور دست به یکی کردند و به ما حمله کردند، به خاطر همین بود که محاسباتشان از عنصر توکل و ایمان به خدا خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند. با این حساب باید بگوییم که آن‌ها از یک جهت درست فهمیده بودند؛ واقعاً اگر ملت ما، ایمان به خدا و اتصال به مبدأ ربوبی و غیب را نداشت، همانی که آن‌ها خواسته بودند می‌شد یعنی انقلاب شکست می‌خورد، ملت عقب‌نشینی می‌کرد.^۱

اگر آن کاری که رزمندگان کردند، آن کاری که خانواده‌ها کردند، آن کاری که بسیج عمومی ملت کرد، آن کاری که گزاشگران این صحنه‌های شرف کردند و در مقابل چشم مردم قرار دادند و آن کاری که آن سلسله‌جنبان همه این افتخارها کرد، اگر این‌ها نمی‌بود، همین می‌شد. تردید نداشته باشید، قطعه‌ای از خاک ایران را می‌گرفتند، بعد با قدری چک و چانه، مقداری از آن را پس می‌دادند، منت هم بر ملت ایران می‌گذاشتند - البته در طول سال‌های متمادی، قطعاً بیش از هشت سالی که جنگ طول کشید - بعد ملت ایران هروقت به آن منطقه از کشور خود نگاه می‌کرد، احساس حقارت می‌کرد.^۲

نقش و تأثیر تعیین‌کننده عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس از منظر فرماندهان نظامی که در کوران حوادث جنگ حضور داشتند و نیز کسانی که

۱. همان، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۲. کیهان، ۷۹/۷/۷، ص ۱۴.

درباره جنگ اظهار نظر کرده‌اند، به‌خوبی روشن است. سردار سرلشکر محسن رضایی در این باره می‌گوید:

ما فولاد اسلام را در مقابل فولادهای دیگر به محک گذاشتیم و فولاد ما الحمدلله از این امتحان موفق بیرون آمد. آلیاژ فولاد ما به لطف الهی تمام آلیاژها را کنار گذاشت. الآن دنیا در مسأله کویت نمی‌گوید ببینید صدام چقدر قدرتمند است، بلکه می‌گوید ایران خیلی قدرتمند است. صدامی که ظرف دو یا سه ساعت مسأله کویت را حل کرد، نتوانست هشت سال هیچ کاری در ایران بکند. نبرد صدام علیه کویت، معیاری برای روشن شدن اقتدار رزمندگان ماست.^۱

آزادی اسرا، آزادی سرزمین‌های ما، اعتراف دنیا به شکست خود و قبول قرارداد ۱۹۷۵، این‌ها همه پیروزی است... این‌ها مجموعه‌ای از پیروزی‌های کم‌سابقه و عظیم است. چرا این‌ها اتفاق افتاد؟ به خاطر آن تحولات روحی است که در جوانان ما به وجود آمد. به خاطر همین تحوّل روحی بود که جوانان ما نبرد ۷۵ روزه‌ای را در فاو تحمل کردند، در حالی که منطقه، هر روز، ۴۰۰ سورتی بمباران می‌شد!^۲

این نبرد ما همه‌اش پیروزی است؛ چه پیروزی‌های آشکار و چه پیروزی‌های باطنی و مخفی که الآن نمی‌توانیم آن‌ها را دقیق بیان کنیم و این‌همه به خاطر معنویت و آن قدرت روحی بود که در جوانان حاصل شد.^۳

وی همچنین از ویژگی‌های الگوی جدیدی که رزمندگان اسلام در رزم و

۱. مجموعه مقالات اولین نشست کنفرانس بررسی دفاع مقدس، به کوشش غلامرضا ذاکر صالحی، سخنرانی سردار، سرلشکر پاسدار محسن رضایی، ص ۱۹ - ۲۰.

۲. همان، ص ۲۰ - ۲۱.

۳. همان، ص ۲۲.

جنگ ترسیم کردند، مکتب دفاعی و روابط انسانی درون مجموعه را برمی شمارد و عاشورایی جنگیدن، عمل به تکلیف، شهادت طلبی، ایمان و... را از عناصر اصلی این مکتب می داند^۱. وی معتقد است:

روابط انسانی خاصی در جبهه حاکم بود. این روابط انسانی مقاومت را بسیار افزایش می داد. مثلاً ما تا پایان جنگ بدون داشتن درجه جنگیدیم، ولی به علت همین روابط انسانی در کنترل و هدایت و فرماندهی رزمندگان مشکلی نداشتیم^۲.

این جا روابط انضباطی بین افراد نبود، درجه ای حاکم نبود. یک تصمیم آزادی و ارزشی و اعتقادی و همچنین تخصصی و فنی بود... هرکس در هر جا قرار می گرفت، احساس می کرد این تنگه أخذ است که اگر از دست برود، همه چیز از دست رفته است و لذا آن جا را از نظر اعتقادی محکم می چسبید و نگه می داشت... ارتش های دنیا معمولاً این یکپارچگی را وقتی نمی توانند از لحاظ اعتقادی فراهم کنند، از طریق انضباط خشک به وجود می آورند. برای ما واقعاً در صحنه عمل این ولایت عینی حاصل می شد... همه می گفتند ما برای اسلام می جنگیم، ما برای خدا می جنگیم، فرمانده ما امام است. این ذهنیتی بود که عینی می شد... به این صورت که به همه نقش های متناسب با آن ها داده بودیم یعنی سعی می کردیم به هرکس متناسب با توانایی استعدادهای خودش نقش مناسبی بدهیم. بعد که نقش ها داده می شد، باید در کل یکی می شد یعنی باید ما متحد و یکپارچه می شدیم و سپس به این مشکل حمله می کردیم و این یکی شدن باعث می شد که انضباط آهنین و قدرتمندی که نانوشته و پنهانی است در درون رزمندگان به وجود آید و آن انضباط درونی قدرتمند حاصل می شد^۳.

۱. مجله سیاست دفاعی، ش ۳-۴، تابستان و پاییز ۷۵، ص ۱۳-۱۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۱-۲۲.

امیر سپهبد شهید صیاد شیرازی، درباره تأثیر عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس می‌گوید:

هر جا که کم می‌آوردیم و می‌بایست می‌جنگیدیم، اکسیر توکل بالامی‌رفت و باعث می‌شد که به مرور زمان ضعف انگیزه که در قبل از انقلاب در ارتشی‌ها وجود داشت و همچنین ضعفی که در بین هم‌زمان ما چون کمیته، سپاه و بسیج و دیگران بود، از بین برود، و در همین دانشگاه جنگ بود که روحیه‌ها تقویت و انگیزه‌های ما قوی شد. ما در همان صحنه‌های نبرد بود که این نتایج را گرفتیم و گفتیم که هم تعهد و هم تخصص باید داشته باشیم، ولی اگر بخواهیم بین این دو فرق قائل شویم، تعهد باید بچربد، چون تخصص را می‌توان افزایش داد، اما کسب تعهد مشکل است.^۱

یکی از شرکت‌کنندگان در اولین نشست بررسی دفاع مقدس در مقاله‌ای با عنوان «عوامل اصلی پیروزی ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، نوع عملیات‌ها و ترکیب نیروها از کلاسیک و نامنظم و رهبری امام خمینی را از عوامل اساسی پیروزی ایران در جنگ برمی‌شمارد و می‌گوید:

به جرات می‌توان گفت: رهبری مهم‌ترین نقش را در پیروزی ایفا کرده است و عوامل دیگر مانند فرماندهی، آمادگی نیروها، روحیه و... کاملاً تابع این عامل منحصر به فرد بوده‌اند.^۲

وی در توضیح نقش رهبری حضرت امام می‌گوید:

بسیج معجزه امام بود که نه تنها انقلاب اسلامی را استحکام داخلی بخشید، بلکه نیروهای بی‌نظیری را برای دفاع در برابر دشمنان آماده ساخت. این، یکی از عوامل پیروزی در جنگ می‌باشد که بر همه عوامل برتری دارد و علاوه بر آمادگی

۱. مجموعه مقالات اولین نشست بررسی دفاع مقدس، سخنرانی شهید صیاد شیرازی، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۱۸۴.

برای جنگ، در روحیه نیروها نقش مؤثری داشته تا به شهادت عشق بورزند. این نوع شهادت طلبی از هیچ رهبر سیاسی یا حزب سیاسی ساخته نیست و تأثیر آن در عملیات هم محتاج بیان نیست... قیام مردم و پشتیبانی مخلصانه از جنگ، برگردن جبهه‌ها و انجام عملیات گسترده، در همه ابعاد جنگ، همه و همه، تحت تأثیر حکمت و اندیشه مقام معظم رهبری بود. همان طور که انبیای عظام (ع) و مصلحان بشری، استراتژیست‌های تاریخ شناخته شده‌اند، امام این شخصیت بی‌نظیر نیز استراتژیست بزرگ این دوره شناخته شد.^۱

صحنه‌های عملی از شجاعت و شهامت در جنگ‌های دوران پیامبر اکرم (ص) را بعد از قرن‌ها در این جنگ شاهد بودیم. بعضی از جاها نیز خاطره کربلا را تداعی می‌کرد. این عوامل غیر فیزیکی در شخصیت رهبر متجلی شد و نقش اصلی پیروزی در این جنگ را ایفا کرد.^۲

شکی نیست که در دوران جنگ مراحلی وجود داشت که مسؤولان مضطرب می‌شدند و از امام استقامت و پایداری می‌جستند. اعتقاد و تکیه رهبری بر خدا به گونه‌ای بود که امیدی در دل نیروها بالخصوص فرماندهان به وجود می‌آورد و آن را بر تأیید خداوندی و پیروزی در عملیات معتقد می‌ساخت. همین اعتقاد و تکیه بر خداوند متعال نقش مهمی در جنگ ایجاد کرد.^۳

همچنین تأثیر عوامل معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس چندان آشکار و برجسته است که خبرگزاری‌ها و خبرنگاران دیگر کشورها نیز به آن اذعان کرده‌اند. در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

صدام بعد از گسیل ارتش خود برای تجاوز به ایران دریافت که قدرت

۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۸۸.

احساسات انسانی را که قادر است بر تکنولوژی و توپ‌هایی که شوروی‌ها و فرانسوی‌ها می‌توانند تقدیم وی نمایند غلبه کند، بسیار دست‌کم گرفته بود.^۱ جنگ [ایران و عراق] همچنین نشان داد که ملتی که به گونه‌ای شدید با کمبود جنگ‌افزارهای پیشرفته روبه‌روست، می‌تواند دشمن مجهز به قدرت آتش به‌مراتب برتر را از طریق استفاده از تاکتیک‌های مبتکرانه نیروی با انگیزه بالا و قابلیت فدا نمودن نیروی انسانی در مقیاس بالا بازدارد.^۲

اعتقاد بر شهادت، وظیفه‌شناسی، درک مسؤولیت و دقت در تمام جبهه‌ها مشاهده می‌شود. بسیاری از بسیجی‌ها پارچه نوار قرمز رنگی بر روی پیشانی خود بسته‌اند که بر روی آن نوشته شده «یا مهدی ادرکنی» و به هنگام نبرد، رزمندگان، ابتدا به نماز برمی‌خیزند و روی پرچم‌هایشان که بر تانک‌های سوخته نصب می‌کنند، نوشته «کربلا ما می‌آییم». فریادی که این روزها از این سنگر [ها] به گوش می‌رسد، همانند فریاد پیروزی «الله اکبر» است که از پشت‌بام‌های تهران به گوش می‌رسد.^۳

چهره پاسداران که در ارتفاعات سرپل ذهاب سرگرم جنگ با عراق هستند، مملو از شادی است... گلوله توپخانه که گهگاه در نزدیکی مواضع ایرانیان منفجر می‌شود، روزنامه‌نگاران ایرانی و خارجی را که در جبهه حضور دارند، به سنگرها می‌کشاند، ولی پاسداران در حالی که لبخندی حاکی از رضایت بر لب دارند، بدون هیچ‌گونه نگرانی و ترس، با بی‌تفاوتی به آتش گلوله‌ها و خمپاره‌های دشمن، به جنگ مشغولند؛ گویی گلوله‌های عراقی برای آن‌ها شلیک نمی‌شود. بر چهره پاسداران دائماً لبخند ناشی از ایمان کامل نقش

۱. همان، ص ۲۰۳. (نقل از نیویورک تایمز چاپ آمریکا).

۲. همان، ص ۲۰۳. (نقل از هفته‌نامه دفاعی جینر چاپ انگلستان).

۳. رویدادها و تحلیل، ش ۴۷، ص ۵۲. (نقل از یونایتد پرس).

بسته است. زندگی در جبهه برای آن‌ها شیرین است. ایمان به آن‌ها قدرت می‌دهد؛ به طوری که آن‌ها از صمیم قلب نسبت به پایان جنگ خوشبینند و در نظر آن‌ها مرگ تنها برای جبههٔ مقابل است... یک داوطلب مسلمان می‌گوید زندگی در دست خداست، نمی‌توان از مرگ به جایی فرار کرد و عاقبت باید مرد. با این ایمان انسان می‌تواند با سخت‌ترین خطرات روبه‌رو شود و هیچ هراس به خود راه ندهد.^۱

سربازان و سپاهیان ایرانی با شهادتی فوق تصور در مقابل دشمنی که از لحاظ ساز و برگ نظامی بر آن‌ها برتری دارد، می‌جنگند و حتی پاسداران انقلاب که اغلب فاقد آموزش نظامی کامل نیز هستند، با رشادتی قابل تحسین، بدون کوچک‌ترین هراس از مرگ، در مقابل آتش توپخانه و تانک‌های عراقی ایستادگی می‌کنند.^۲

۱۰. سازماندهی پژوهش

در پاسخ به پرسشی که در این پژوهش مطرح گردید، از مجموع اطلاعات گردآوری شده و تجزیه و تحلیل آن‌ها این نتیجه حاصل می‌آید که ده عامل مهم معنوی و فرهنگی در دفاع مقدس مؤثر بوده‌اند. این عوامل عبارتند از: باورهای دینی، امدادهای غیبی، ارزش‌های اسلامی، فرهنگ عاشورا، شباهت‌جویی به جنگ‌های صدر اسلام، رهبری امام خمینی، وحدت مردمی، حضور روحانیت، تبلیغات، و هنر و ادبیات. پژوهش حاضر براساس این

۱. مجلهٔ پیام انقلاب، ش ۲۲، آذر ۵۹، ص ۱۹. (نقل از خبرنگار خبرگزاری فرانسه پس از دیدار از جبههٔ غرب).

۲. تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۲، جنگ بازپایی شبات، ص ۶۶ (نقل از خبرگزاری پارس، ۵۹/۷/۲۸).

عوامل ده گانه به همان ترتیبی که بیان شد، سازماندهی شده است که در هفت جلد به شرح ذیل تنظیم و منتشر خواهد شد:

جلد اول

بخش اول: باورهای دینی

فصل اول: کلیات

فصل دوم: ایمان

فصل سوم: ولایت

فصل چهارم: دفاع مشروع؛ شهادت یا پیروزی

بخش دوم: امدادهای غیبی

فصل اول: کلیات

فصل دوم: امدادهای غیبی و انقلاب اسلامی

فصل سوم: امدادهای غیبی و دفاع مقدس

جلد دوم

فصل اول: کلیات

فصل دوم: پارسایی

فصل سوم: استواری و سرافرازی

فصل چهارم: برادری و گذشت

فصل پنجم: شوق دیدار

جلد سوم

بخش اول: فرهنگ عاشورا

فصل اول: ویژگی‌های فرهنگ عاشورا

فصل دوم: جلوه‌های فرهنگ عاشورا در دفاع مقدس

فصل سوم: آزادگان؛ جلوه‌های عاشورایی در اسارت

فصل چهارم: وصیت‌نامه‌های عاشورایی

فصل پنجم: سروده‌های دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا

فصل ششم: نام‌ها و نوشته‌های نینوایی

فصل هفتم: امام خمینی و پیوند دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا

بخش دوم: شباهت‌جویی به جنگ‌های صدر اسلام

فصل اول: آوای تکبیر

فصل دوم: حضور پیرمردان و نوجوانان

فصل سوم: حضور زنان در دفاع

فصل چهارم: ایثار مجروحان

فصل پنجم: پرچم و پیشانی‌بند

جلد چهارم

فصل اول: کلیات

فصل دوم: دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی

فصل سوم: ویژگی‌های رهبری امام خمینی

فصل چهارم: شیوه‌ها و تدابیر رهبری امام خمینی

فصل پنجم: تأثیر معنوی رهبری امام خمینی

جلد پنجم

بخش اول: وحدت مردمی

فصل اول: کلیات

فصل دوم: عوامل مؤثر بر وحدت مردمی

فصل سوم: بسیج اقشار مختلف مردم

فصل چهارم: نیروهای نظامی و نهادهای انقلابی

بخش دوم: حضور روحانیت

فصل اول: پیشینه جهادی روحانیت

فصل دوم: حضور مقام معظم رهبری

فصل سوم: حضور عالمان دین

فصل چهارم: جلوه‌های حضور

جلد ششم

فصل اول: کلیات

فصل دوم: عوامل مؤثر بر تبلیغات

فصل سوم: سازمان و سازمادهای تبلیغات

فصل چهارم: تبلیغات دشمن

فصل پنجم: اهداف و اصول تبلیغات

فصل ششم: ابزار تبلیغات

جلد هفتم

فصل اول: کلیات

فصل دوم: شعر

فصل سوم: نمایش

فصل چهارم: سینما و فیلم

فصل پنجم: داستان

فصل ششم: موسیقی

فصل هفتم: نقاشی

فصل هشتم: عکاسی

عناوین جزئی هر فصل در فهرست مطالب هر جلد خواهد آمد.

مقدمه

باورهای دینی رزمندگان اسلام را باید از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل معنوی و فرهنگی تأثیرگذار در آفرینش «حماسه دفاع مقدس» و در آغوش کشیدن پیروزی‌های سترگ و افتخارآفرین آن برشمرد. باورهای دینی و اعتقادات اسلامی در روح و جان رزمندگان مؤمن ریشه داشت. از این رو، بر انگیزه‌ها، خواسته‌ها، سلوک و رفتارشان تأثیر می‌نهاد و وظایف، مسؤولیت‌ها و ارزش‌های اخلاقی آنان را تبیین می‌نمود. به سخن دیگر، خاستگاه وظایف و مسؤولیت‌هایی که رزمندگان اسلام احساس می‌کردند و نیز ارزش‌های اخلاقی که بدان‌ها پایبند بودند، باورها و اعتقادات دینی آنان بود.

باورهای ژرف دینی، رزمندگان مؤمن را داوطلبانه و مشتاقانه به جبهه‌های نبرد روانه می‌کرد و به آنان انگیزه و توان روحی برای دفاع می‌بخشید؛ در سختی‌ها و ناملایمات جنگ به پایداری و استقامتشان وامی‌داشت و به آنان روح شجاعت، شوق نبرد و امید به پیروزی ارزانی می‌داشت؛ به ایثار و فداکاری و ازجان‌گذشتگی‌شان معنا و مفهوم می‌داد و شهادت را در کامشان

گوارا می ساخت. به راستی اگر رزمندگان اسلام بر اساس ایمان و اعتقاد ژرف خود پا به عرصه جنگ و دفاع نمی نهادند، آیا هرگز جلوه های پر شور ایثار و فداکاری و حماسه های ماندگار و کم نظیر دوران معاصر آفریده می شد؟

رزمندگان اسلام خداوند متعال و قدرت بی کران او را از عمق جان باور کرده بودند. آنان بر این باور بودند که در جبهه حق می جنگند و دشمن آنها در جبهه باطل ستم می کند و خداوند متعال جبهه حق را با امداد و نصرت غیبی اش مدد می رساند. رزمندگان اسلام نصرت و پیروزی را از خدا می دانستند و باور کرده بودند که شکست در قاموس دفاع بی معنا است؛ و چه بکشند و چه کشته شوند، پیروزند. آنان به ولایت معصومان (ع) اعتقاد راسخ داشتند، به آنان عشق می ورزیدند و به سیره جهادی آنان تأسی می جستند. آنان همچنین ولایت فقیه عادل را استمرار ولایت معصومان (ع) می دانستند و فرمان حضرت امام خمینی (ره) را فرمان معصوم (ع) قلمداد می کردند.

بحث باورهای دینی در چهار فصل سامان یافته است. در فصل نخست مباحث مقدماتی و مبانی باورهای دینی با عنوان «کلیات» آمده است. فصل دوم با عنوان «ایمان»، به ایمان به خداوند متعال و ایمان به امداد و نصرت الهی اختصاص دارد. در فصل سوم با عنوان «ولایت»، اعتقاد به ولایت معصومان (ع) و اعتقاد به ولایت فقیه مطرح شده است و در فصل چهارم با عنوان «دفاع مشروع؛ پیروزی یا شهادت»، اعتقاد به دفاع مشروع و اعتقاد به احدی الحسینین بررسی شده است.